

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

مطالعه الگوی استقرار سکونت‌گاه‌های ارتفاعات مرکزی بلوچستان، بخش بنت نیک‌شهر براساس بررسی‌های قوم‌باستان‌شناسی

حسین واحدی^{۱*}، محمود حیدریان^۲، زهرا سلیمانی‌فرد^۳

چکیده

جنوب‌شرق ایران تعاملات فرهنگی زیادی با مناطق دره سند، میان‌رودان، فلات ایران و نوار ساحلی جنوب ایران داشته است. منطقه سفیدکوه نیک‌شهر، در بنت سیستان و بلوچستان سکونت‌گاه جوامعی با الگوی استقرار نیمه یکجانشین پراکنده با الگوی قرارگیری خاص در کنار رودخانه‌ها یا دشت‌های میان‌کوهی است که معماری مدور، بیضی و راست‌گوشه دارد. راهبرد معیشت این جوامع کشاورزی، باغداری، دامداری، شکارگری، گردآوری غذا، تجارت و کارگری است و از الگوهای فرهنگی، اقتصادی و مناسبات سیاسی و اجتماعی منحصربه‌فردی مشابه دوران پیش از تاریخ پیروی می‌کنند. با توجه به اهمیت مطالعات قوم‌باستان‌شناسی، پژوهش پیش‌رو سعی دارد تا با بررسی، معرفی و مقایسه یافته‌های پویای مردم‌شناسی با یافته‌های ایستای باستان‌شناسی، به شناخت هرچه بهتر جوامع انسانی بخش بنت بپردازد. این پژوهش با تلفیقی از روش‌های میدانی در سه مرحله بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی؛ بررسی جوامع زنده کنونی منطقه از نظر مردم‌شناسی؛ و مقایسه تطبیقی یافته‌های هر دو بررسی به منظور شناسایی وجوه افتراق و اشتراک آنها، انجام شد. براساس نتایج به‌دست آمده باید اشاره کرد که الگوی معماری کنونی منطقه ریشه در فرهنگ و سنن مردم منطقه داشته که از دیرباز به صورت مدور برپا شده‌اند. الگویی که با استقرار در مناطق مسطح میان‌کوهی یا تراس رودخانه‌ها ایجاد شده و به صورت پلان‌های بیضی، مدور، خوشه‌ای، نامنظم، خطی و مشابه با جوامع پیش از تاریخ و بر مبنای شیوه معیشت طیف وسیع اقتصادی شکل گرفته است. با بررسی نتایج به دست آمده از مقایسه دو گروه یافته‌ها، می‌توان اذعان داشت که شیوه رایج در منطقه کاملاً از هر نظر با شیوه زندگی جوامع اولیه نیمه یکجانشین مطابقت دارد.

واژه‌های کلیدی: الگوی استقرار، قوم‌باستان‌شناسی، معماری مدور، دهکده، بنت.

ارجاع: واحدی ح، حیدریان م، سلیمانی‌فرد ز. ۱۴۰۱. مطالعه الگوی استقرار سکونت‌گاه‌های ارتفاعات مرکزی بلوچستان، بخش بنت نیک‌شهر براساس بررسی‌های قوم‌باستان‌شناسی. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۷ (۱): ۳۴-۱۵.

۱- کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد، مدیر پروژه‌های سفیدکوه مکران و مارشلند

* نویسنده مسئول: hossein.vahedi20@gmail.com

۲- دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۳- کارشناس ارشد باستان‌شناسی گرایش پیش‌ازتاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، عضو پروژه‌های سفیدکوه مکران و مارشلند

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

مقدمه

در اواسط و اواخر دوره فراپارینه‌سنگی، معماری مدور چاله‌ای یا نیمه‌زیرزمینی و در اوایل دوره نوسنگی معماری مدور با کمی تغییر و تحول ظهور می‌کند و کمپ‌های فصلی و موقت به سکونتگاه‌های نیمه دائمی تبدیل می‌شوند (Simmons, 2012: 131). این معماری دارای انواع مختلفی نظیر مدور، نیمه مدور و مدور چاله‌ای است (طلایی، ۱۳۹۰: ۸۵). ظهور این شیوه معماری در زاگرس که برخی از آن با عنوان «شیوه معماری سنتی زاگرس» نام می‌برند نه تنها در خود منطقه بلکه در مناطق پیرامونی از جمله آناتولی و منطقه لوانت «سوریه، فلسطین، لبنان» نیز رواج داشته است (Herskovitz, 1990; Gilead, 1989). در سایر نقاط ایران به‌ویژه نواحی شرق و جنوب‌شرق ایران وضعیت این دوره و این نوع از معماری مشخص نیست. ساکنان امروزی منطقه جنوب‌شرق دو نوع استقرار اصلی و کهن دارند: استقرارهای یکجانشین کشاورز که بیشتر در نقاط حاصل‌خیز و در کنار منابع آب دائمی شکل گرفته و تداوم داشته‌اند (مرادی، ۱۳۸۳: ۷)؛ و استقرارهای کوچ‌نشینی که در محدوده‌های کوهستانی و کوهپایه‌ای یک نوع خاص از کوچ را استفاده می‌کنند. کوچ افقی درون منطقه‌ای رویکرد جوامع کوچ‌روی بلوچ است که همواره برای به‌دست آوردن مراتع و منابع آبی به حرکت خود ادامه می‌دهند (جانب‌اللهی، ۱۳۶۷: ۱۲۹). این جوامع تشکیلات سیاسی و نظام عشایری بر پایه سلسله مراتب ایلی دارند که متکی بر بنیان خویشاوندی است (همان، ۱۳۶۷: ۱۲۸). مردمان کوچ‌رو در مواقع کمبود منابع حیاتی در طول سال (بیشتر تابستان) به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کنار جوامع یکجانشین کشاورز باغ‌دار می‌پردازند تا مشترکا از منابع یکدیگر استفاده کنند؛ گروهی از جوامع سنتی بلوچ به هر دو شیوه کوچ‌روی چراگاه‌گرد و یکجانشینی زندگی می‌کنند و هم کشاورز، دام‌دار، باغ‌دار، شکارگر- آذوقه‌جو و هم در مواقعی تولیدکننده هستند. این جوامع در ارتفاعات مرکزی شهرستان نیک‌شهر در دهکده‌هایی با پلان معماری مدور در کنار منابع آب طبیعی ساکن هستند.

منطقه مطالعه شده، از هر دو دیدگاه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی تاکنون بررسی نشده است. جانب‌اللهی نوع معماری و گاه‌شماری اقوام و عشایر بلوچ را بررسی کرد (جانب‌اللهی، ۱۳۷۵؛ ۱۳۷۷). در سال ۱۳۶۲ ه.ش سالزمن با نگاهی انسان‌شناسانه و با هدف ثبت و بررسی نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی الگویی از ساختارهای جامعه کوچ‌رو را به ثبت رساند. پژوهش پیش‌رو از این جهت حائز اهمیت است که تاکنون کسی به مطالعه جامع و دقیق تمامی استقرارها (دهکده‌ها)ی منطقه بررسی و مقایسه الگوی استقرار، معماری و معیشتی آن‌ها با جوامع پیش از تاریخی نپرداخته است. در سال ۱۳۹۸ اولین فصل از مطالعات باستان‌شناختی و در سال ۱۳۹۹ اولین فصل از مطالعات بلند مدت و گسترده تدوین پرونده‌های ثبتی (منظر فرهنگی) و فصل دوم مطالعات باستان‌شناختی در این منطقه انجام شد. جوامع مورد مطالعه از لحاظ الگوی معماری، معیشت و استقرار شباهت زیادی با نمونه داده‌های باستان‌شناسی در ادوار پیش از تاریخ (احتمالا اوایل دوره نوسنگی و اواخر فراپارینه‌سنگی) دارند، از این‌رو با استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای قوم‌باستان‌شناسی می‌توان به شناسایی و بازسازی الگوی‌های زیستی (الگوی استقرار، معیشتی و معماری) دهکده‌های نوسنگی قسمتی از منطقه بلوچستان پرداخت. هدف اصلی طرح پژوهشی مذکور معرفی و مستندنگاری این جوامع به صورت دقیق و با رویکرد قوم‌باستان‌شناسی است. پس از بررسی الگوی‌های زیستی مدنظر به مقایسه کلی این الگوها (الگوی معماری، معیشت و استقرار) با یافته‌های مرتبط در زمینه‌ی الگوی معماری و استقرار به‌دست آمده از بررسی‌های باستان‌شناختی محوطه‌های متروکه منطقه پرداخته می‌شود.

از جمله اهداف این پژوهش می‌توان به معرفی دهکده‌های ارتفاعات سفیدکوه (مکران) بلوچستان (شهرستان نیک‌شهر، بخش بنت)؛ ثبت و مستندنگاری کامل شیوه معماری و استقرار آن‌ها و مقایسه ویژگی‌های معماری و الگوی استقرار آن‌ها با محوطه‌های باستانی منطقه اشاره کرد. لازم به ذکر است که منطقه به صورت روشمند از دیدگاه باستان‌شناسی و قوم‌باستان‌شناسی مطالعه شد. در این راستا دو سوال اصلی در نظر گرفته شد: ساختارهای معماری دهکده‌های مطالعه شده این پژوهش چه ویژگی‌هایی دارند و چه الگوی استقرار را بیان می‌کنند؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین جوامع امروزی مطالعه شده این پژوهش با جوامع گذشته منطقه وجود دارد؟ و در راستای سوالات فوق، فرضیاتی به شرح زیر مطرح شد: معماری دهکده‌های مطالعه شده این پژوهش با بهره‌برداری و برداشت از مصالح بوم‌آورد ساخته شده و با محوریت پلان مدور شکل گرفته است. واحدهای ساختمانی آن‌ها با توجه به وجود پیوندهای اجتماعی و نژادی، در فاصله تقریبی ۱۰ الی ۱۵ متری از هم واقع شده‌اند. به نظر می‌رسد جوامع مطالعه شده از لحاظ ساختار و به‌کارگیری الگوی معماری و پراکنش استقرار شباهت‌های

زیادی با جوامع گذشته منطقه دارند.

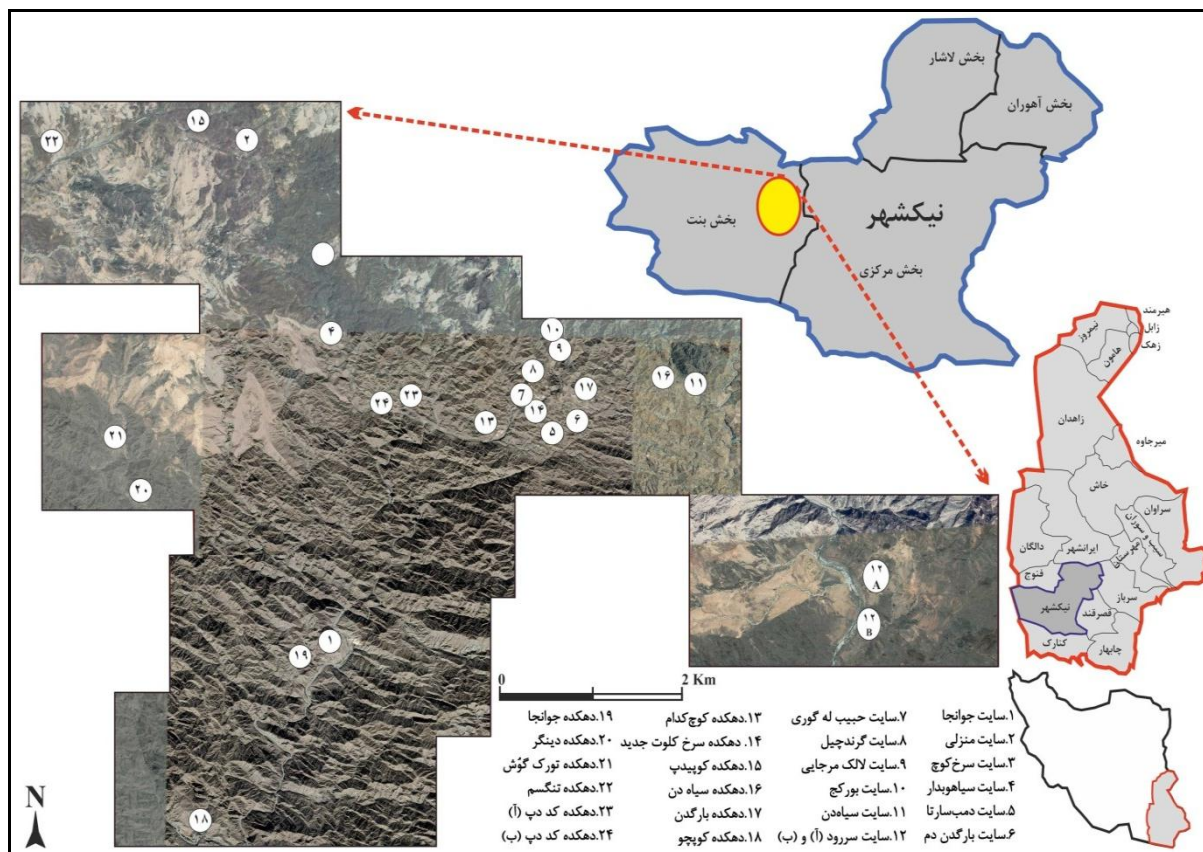
با توجه به این که قوم‌باستان‌شناسی با اهدافی باستان‌شناسانه و ابزاری مردم‌شناسانه به ارائه مدل‌های ایده‌آلی برای استفاده در توضیح و تفسیر داده‌های باستان‌شناختی می‌پردازد (Hodder, 2001: 48; Stiles, 1977: 97) تا رفتار انسان را براساس داده‌های مرده شناسایی و تفسیر کند (Agorsah, 1990: 200; Atherton, 1983: 96; O Connell, 1995: 238)، پژوهش پیش‌رو در پی آن است تا به نتایجی در مورد جوامعی در منطقه‌ای سخت‌گذر و غیرقابل دسترس و دورافتاده که از نظر الگوهای زیستی و فرهنگی شباهت‌های بالقوه‌ای با جوامع پیش از تاریخ (اوایل نوسنگی) دارند، دست یابد.

منطقه مطالعه شده

شهرستان نیک‌شهر با وسعت ۲۳۹۳۰ کیلومتر مربع در قسمت جنوب‌شرقی ایران (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۶: ۱۲۳) در جنوب ایران‌شهر، شمال چابهار و غرب سرباز بین ۲۶ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی واقع شده‌است. بخش‌های تابعه آن عبارتند از مرکزی (نیک‌شهر)، قصرقند، فنوج، بنت، لشار و اسپکه. بخش بنت که بین ۲۶ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی در ارتفاع ۴۰۰ متری از سطح دریا واقع شده، با مرکزیت بنت شامل سه دهستان به نام‌های توتان مهمدان، بنت و دستگرد است (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۶: ۱۲۳) (شکل ۱). منطقه سفیدکوه که بخشی از آن در این پژوهش مطالعه شده است با بلندترین قله در قسمت بلوچستان به نام «سَم» با ارتفاع تقریبی ۱۰۹۶ متر، از خشن‌ترین و متراکم‌ترین کوهستان‌های موجود در قسمت بخش بنت می‌باشد. کوهستان مد نظر همانند دیواری مناطق سواحل جنوبی را از دشت‌های ناحیه شمالی جدا می‌سازد و طبق شواهد به‌دست آمده ظاهراً در تعاملات انسانی در طول تاریخ نیز مؤثر بوده است. این رشته کوه به شکل غربی به شرقی کشیده شده است و ظاهراً از نواحی انتهایی زاگرس می‌باشد. هیچ نوع معدنی در آن وجود ندارد ولی سرشار از سنگ‌های قیمتی، معدنی و کاربردی می‌باشد (واحدی، ۱۳۹۸). منطقه سفیدکوه به دلیل داشتن اقلیمی سخت و دوگانه و منابع آبی طبیعی دارای پوشش غنی گیاهی شامل، اسفند، نخل، داز، کنار، چگرد، حنزیر، پسته کوهی، کیک، خار، گز و بوته‌های فصلی وحشی است (همان). منطقه نیک‌شهر و بنت از منابع آبی بسیار گسترده‌ای بهره‌مند است که شامل رودخانه‌های کشیک، کنگ، بنت، سَم و رودخانه‌های فصلی منشعب شده از سفیدکوه می‌باشند (حمیدی و رضانی‌فرد، ۱۳۷۴: ۴۹). نبود زمستان می‌تواند به عنوان یک عارضه مثبت و منفی در منطقه شناخته شود. در نواحی غربی (بنت) آب و هوای گرم و خشک با تابستان‌های گرم و سوزان و زمستان‌های معتدل حاکم است.

روش‌شناسی و جامعه آماری پژوهش

این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و تلفیقی از روش‌های میدانی در سه مرحله انجام شد: در مرحله اول بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی منطقه انجام گرفت. در مرحله دوم جوامع زنده کنونی منطقه از نظر مردم‌شناسی بررسی شدند و در مرحله آخر به منظور شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو بخش با یکدیگر، مقایسه تطبیقی انجام گرفت. جامعه آماری این طرح، ۱۰ سکونتگاه معاصر جوامع بلوچ به نام‌های بارگدن، کوچ‌کدام، گُددب، تَنگ‌سَم، کوپی‌دب، جوانجا، تورک‌گوآش، دنگر، کوپ‌چو و سرخ‌کَلوت در منطقه سفیدکوه، دهستان دستگرد، بخش بنت، شهرستان نیک‌شهر هستند (شکل ۱). در مرحله اول بررسی سیستماتیک باستان‌شناسی منطقه انجام شد تا در کنار شناسایی محوطه‌های باستانی، الگوی استقرار جوامع ساکن نیز مطالعه شود. با توجه به موقعیت جغرافیایی (کوهستانی بودن) منطقه این بررسی پیمایشی و فشرده از سوی جنوب-غرب شروع شد. بررسی‌ها از دهکده بارگدن شروع، و با بررسی دهکده‌های مرتفع‌تر نظیر تورک‌گوآش و تَنگ‌سَم و در نهایت در دهکده کوپ‌چو، آخرین دهکده از ۱۰ سکونتگاه معاصر منطقه سفیدکوه به پایان رسید. در بخش دوم ضمن مطالعه نقشه‌های ماهواره‌ای و شناسایی دهکده‌های زنده یا به عبارتی مسکونی به آن‌ها مراجعه شد و با حضور در میان آن‌ها به روش مشاهده و مصاحبه و ثبت پرسشنامه، بررسی مردم‌نگاری انجام شد. در نهایت داده‌های به‌دست آمده از این دو بخش (یافته‌های باستان‌شناسی و مردم‌شناسی) در راستای اهداف پژوهش، مقایسه و بررسی شد.



شکل ۱- نقشه ایران، استان سیستان و بلوچستان، شهرستان نیک‌شهر، بخش بنت و پراکندگی محوطه‌های مطالعه شده (۱-۱۲) محوطه‌های باستانی و متروکه و ۱۳-۲۴ دهکده‌های مسکونی).

روش‌شناسی و جامعه آماری پژوهش

این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و تلفیقی از روش‌های میدانی در سه مرحله انجام شد: در مرحله اول بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی منطقه انجام گرفت. در مرحله دوم جوامع زنده کنونی منطقه از نظر مردم‌شناسی بررسی شدند و در مرحله آخر به منظور شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو بخش با یکدیگر، مقایسه تطبیقی انجام گرفت. جامعه آماری این طرح، ۱۰ سکونتگاه معاصر جوامع بلوچ به نام‌های بارگدن، کوچ کدکام، گُددب، تَنگ‌سَم، کوپی‌دب، جوانجا، تورک‌گواش، دنگر، کوپ‌چو و سرخ کدکام در منطقه سفیدکوه، دهستان دستگرد، بخش بنت، شهرستان نیک‌شهر هستند (شکل ۱). در مرحله اول بررسی سیستماتیک باستان‌شناسی منطقه انجام شد تا در کنار شناسایی محوطه‌های باستانی، الگوی استقرار جوامع ساکن نیز مطالعه شود. با توجه به موقعیت جغرافیایی (کوهستانی بودن) منطقه این بررسی پیمایشی و فشرده از سوی جنوب-غرب شروع شد. بررسی‌ها از دهکده بارگدن شروع و با بررسی دهکده‌های مرتفع‌تر نظیر تورک‌گواش و تنگ‌سم و در نهایت در دهکده کوچ‌چو، آخرین دهکده از ۱۰ سکونتگاه معاصر منطقه سفیدکوه به پایان رسید. در بخش دوم ضمن مطالعه نقشه‌های ماهواره‌ای و شناسایی دهکده‌های زنده یا به عبارتی مسکونی به آن‌ها مراجعه شد و با حضور در میان آن‌ها به روش مشاهده و مصاحبه و ثبت پرسشنامه، بررسی مردم‌نگاری انجام شد. در نهایت داده‌های به‌دست آمده از این دو بخش (یافته‌های باستان‌شناسی و مردم‌شناسی) در راستای اهداف پژوهش، مقایسه و بررسی شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های باستان‌شناسی

در بررسی باستان‌شناسی با هدف شناسایی توالی فرهنگی و تداوم استقرار دهکده‌های مستقر در منطقه سفیدکوه مکران، ۱۲ محوطه باستانی و غیرمسکونی که با یکدیگر مرتبط بودند شناسایی شد (شکل ۱). محوطه‌های بارگدن، بورکج، گراندچیل،

حبیب‌آله‌گوری، جوانجا، لالک مرجاعی، منزلی، سررود، دمب سارتا، سیاه دن، سیاهوب‌دار و سهرکوچ^۱ از جمله محوطه‌های باستانی شناسایی شده هستند که ارتفاع آنها به علت تسطیح در دوره‌های بعد و شاید تک‌دوره و کم‌عرض بودن لایه‌های فرهنگی با زمین‌های اطراف هم سطح است (شکل‌های ۱ و ۲). براساس فضابندی که برای فعالیت‌های مجزا در کمپ‌های مسکونی در نظر گرفته شده و مطالعه شواهدی که مربوط به گذشته این منطقه‌اند، عملاً شناسایی محوطه‌های باستانی راحت است. ویژگی‌های انسان‌شناسی که می‌توان از طریق بررسی‌های باستان‌شناسی شناسایی کرد، عمدتاً شامل سکونتگاه‌های متروک، گورستان، کانال‌های آبیاری، مزارع زراعی و محوطه‌های سنگی با کاربری نامشخص است. شواهدی از روستاهای متروکه، به عنوان بخش مهمی از معماری گذشته بنت در بررسی ۱۳۹۸ شناسایی شدند. در ادامه به بررسی بقایای باستان‌شناسی این محوطه‌ها می‌پردازیم:

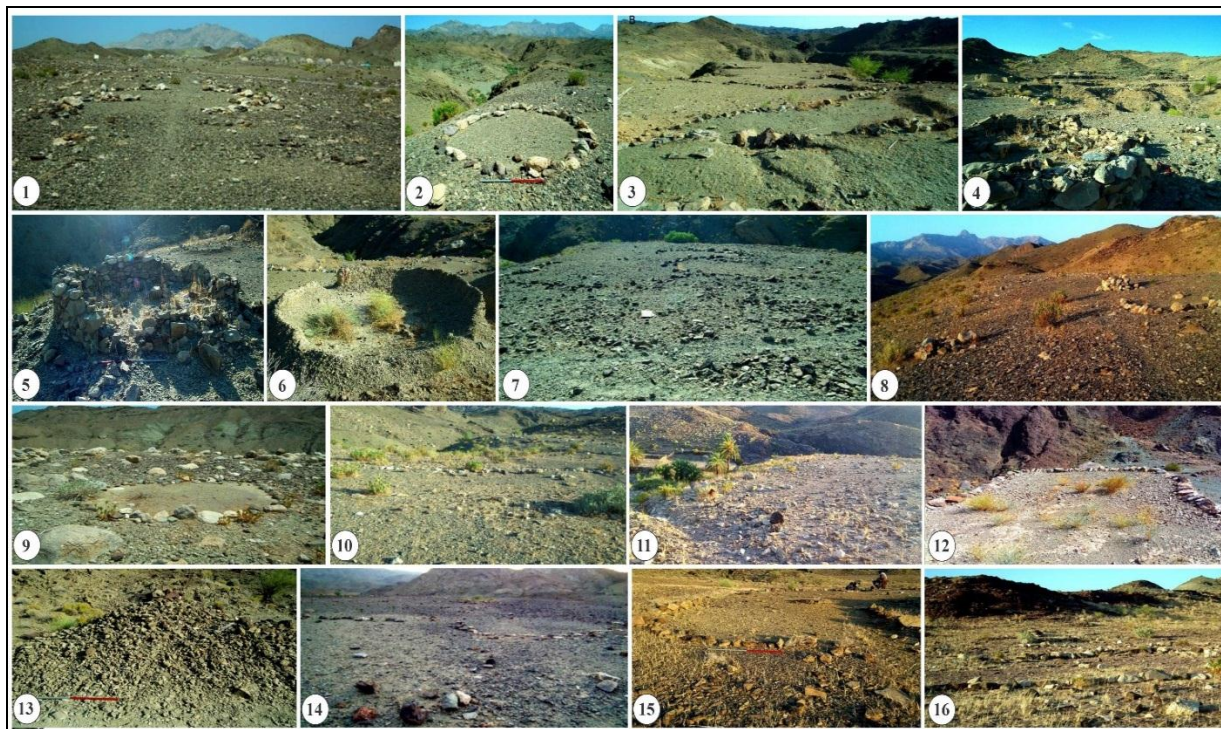
در سطح محوطه‌های باستانی نشانه‌های سطحی از حصارهای سنگی، کف‌های کوبیده، و برآمدگی‌های ناشی از آوار لوگ‌ها به چشم می‌خورد (شکل ۲)، البته در سطح محوطه‌ها سنگ، سفال و مقداری بقایای مواد ناشی از فعالیت‌های روزانه نیز وجود دارد که در سراسر لایه سطحی پراکنده شده‌اند. در بررسی‌ها و بازدیدهای به‌عمل آمده از سطح برخی از این محوطه‌ها و بیشتر در بارگدن‌دم، بورکچ، گراندچیل، حبیب‌آله‌گوری، جوانجا، سررود، سیاه‌دن و سیاهوب‌دار، آثار پی سنگ‌چین معماری مدور دازی^۲، دازی-سنگی^۳، دازی-گلی^۴ و دازی-خشتی^۵ برج‌ها شناسایی شد؛ شعاع داخلی برخی از این سنگ‌چین‌های مدور، در بزرگ‌ترین سایز ۲/۳۰ سانتی‌متر، در سایز متوسط ۱/۷۰ سانتی‌متر و در کوچک‌ترین سایز ۱/۱۵ سانتی‌متر بود (شکل ۲). این-سنگ‌چین‌های مدور یا بیضی^۶ به همراه کف‌های کاملاً کوبیده دایره‌ای شکل به صورت مسطح در سرتاسر کمپ‌های مسکونی و محوطه‌های باستانی به چشم می‌خورد (شکل ۲). با توجه به وضعیت پراکنش امروزی معماری دایره‌ای شکل در هر روستا، شکی وجود ندارد که این ساختارها که شعاع بزرگ‌تری دارند، به عنوان محل استقرار روزمره استفاده می‌شده‌اند. هرچند با توجه به گذشت زمان، تشخیص آن‌ها در محوطه‌های باستانی مشکل‌ساز است؛ زیرا به مدت و شدت اشغال، احتمال برداشت مصالح آن‌ها توسط نسل‌های بعدی برای ساخت خانه‌های جدید و یا حتی تسطیح و استفاده مجدد از آن‌ها بستگی دارد. لازم به ذکر است این کف‌های سخت و کوبیده ممکن است به منظوره‌های دیگری چون پخت و پز، تعمیر و ساخت ابزار، پردازش گوشت و ماهی، حیاط حیوانات، ضیافت‌های جمعی و حتی محل قصابی و پردازش گوشت و مو زدایی گوسفند و بز نیز به کار رفته باشند که در این صورت شواهد خیلی کمتری به نسبت کف یا همان خانه‌های دازی آرایه می‌دهند. علاوه بر کف‌های کوبیده که از نظر ابعاد و بقایای اطراف آن‌ها مشابهت زیادی با لوگ‌های امروزی دارند، اجاق‌ها نیز از جمله محدود ویژگی‌های قابل تشخیص مشترک در کمپ مسکونی و محوطه‌های باستان‌شناسی بنت هستند. در استقرارهای مسکونی، یک اجاق در مرکز محله‌های هر خانوار قرار دارد که با معماری دایره‌ای پیش‌پاافتاده سنگی مشخص می‌شود. با توجه به تطابق آشکار این بقایا با رفتارهای قوم نگارانه مشاهده شده، می‌توان انتظار داشت که محتویات چنین اجاق‌هایی در محوطه‌های متروکه و باستانی، نشان‌دهنده طیف وسیع‌تری از فعالیت‌هایی چون آشپزی و پخت و پز، پردازش پوست و سوزاندن زباله است که هم در داخل روستا و هم در محوطه باستانی انجام می‌شده است. مشابه سبک معماری دازی گلی در مناطقی از خوارزم ازبکستان منتهی با پلان چهارگوش رواج دارد (Cooke, 2010: 64 Fig. 39).

از نظر یافته‌های معماری محوطه‌های باستانی مشابه با این سبک از معماری مردم بلوچ، می‌توان به معماری دوره نوسنگی اشاره کرد. معماری کاملاً متنوع و متفاوت؛ از این رو که معماری مدور چاله‌ای، بیضی و راست‌گوشه همگی در بازه‌ای از زمان و همانند زنجیره‌ای متصل به هم تکامل و رشد و ارتقا یافته‌اند. در ایران آسیاب، عبدالحسین، گوران، گنج‌دره، علی‌گوش و چغاسفید معماری مدور و معماری راست گوشه اولیه را نشان می‌دهند (Smith, 1990). در فرهنگ نانوفیان عمده معماری مورد استفاده در بین جوامع، معماری مدور چاله‌ای یا نیمه زیرزمینی یا معماری مدور بوده که با تیرک‌های چوبی و گیاهان پوشیده می‌شده است؛ نمونه‌هایی از این اردوگاه‌ها در جریکو، ملاها، وادی حما، جرف‌الاحمر، اوهایو II، ال‌واد تراک، وادی شزار، هتاوولا و WF16 شناسایی شده است (Yeshurun et al., 2014; Bar-Yosef, 2008). در آناتولی در چای‌اونو (Haklay and Gopher, 2019) و در خیلی مناطق دیگر بافت معماری دایره‌ای شکل شناسایی شده است.

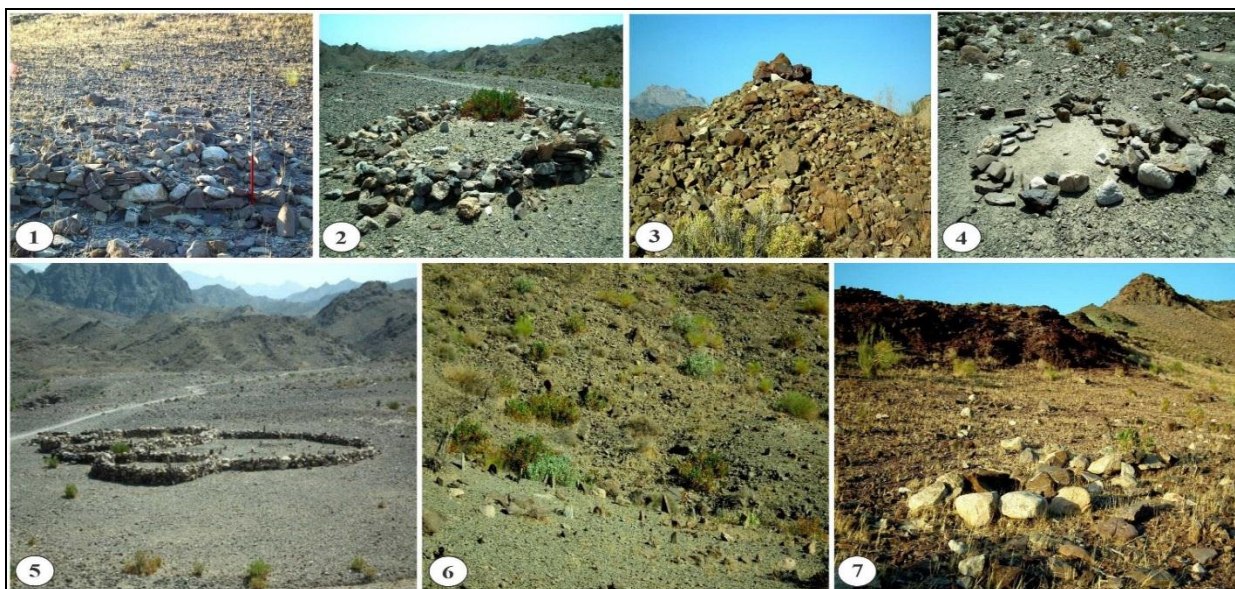
در اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد در سراسر ایران، گورستان‌های بزرگی در کنار مناطق مسکونی ایجاد شد (هول، ۱۹۸۹). در منطقه مطالعه شده، گورستان‌ها نیز با ساختارهایی در قلمروهای مرتبط با جمعیت انسانی شکل گرفته و شناسایی شدند. در بسیاری از آن‌ها یک یا دو گورستان و در برخی هیچ شواهدی از گورستان شناسایی نشد. این گورستان‌ها در روستاهای مسکونی، معمولاً به صورت دایره‌ای تو در تو هستند و با پرچینی سنگی به ارتفاع ۶۰ تا ۷۰ سانتی متر احاطه شده‌اند. در برخی مواقع، ساکنان چندین روستا از یک قبرستان استفاده می‌کنند مانند اهالی سه روستای بارگدان، کوچکدام و سرخکوت جدید. در همه موارد مسکونی و باستانی، قبرها از نظر شکل و جهت یکسان بوده و با خشت و سنگ مشخص شده‌اند. تقریباً تمامی مقبره‌های این منطقه جهت‌گیری شرق به غرب دارند و با برخی از روستاهای خالی از سکنه (محل‌های باستانی) که شناسایی شده‌اند، ارتباط دارند. یک گورستان در مرکز محوطه بارگدن دم در ابعاد ۳×۴ متر دیده می‌شود که حاوی ۱۲ تا ۱۵ گور اسلامی است. ارتفاع سنگچین‌های دیواره گورستان به حدود ۶۰ سانتی متر می‌رسد. گورستان دیگری در جنوب غرب محوطه در ابعاد ۱۳×۱۲ متر قرار دارد که محل فعلی گورستان سه دهکده کوچکدام، بارگدن و سرخکوت جدید است (شکل ۳: ۱ و ۲). گورستان محوطه بورکج در جنوب شرق در انتهای دره‌ای که محوطه در مجاورت آن قرار دارد، واقع شده است. ۵۰×۴۰ متر ابعاد دارد و حدود ۱۵ تا ۲۰ تدفین اسلامی در آن مشاهده می‌شود. هیچ پرچین و حصار بر پیرامون گورستان دیده نمی‌شود (شکل ۳: ۳). گورستان محوطه منزلی در شرق در کنار دره‌ای کم ارتفاع و همین‌طور در کنار جاده موتور-رو که محوطه در مجاورت آن قرار دارد، بر روی یک سطح نسبتاً هموار واقع شده است. ابعاد آن ۴×۵ متر است و حدود ۳ الی ۵ سنگچین مضطرب شده و بهم ریخته که احتمال می‌رود تدفین سنگچین یا گور باشد قابل تشخیص است (شکل ۳: ۵). هیچ پرچین و حصار بر پیرامون این گورستان نیز دیده نمی‌شود. لازم به ذکر است که سنگچین گورهای محوطه دمب-سار تا فاقد ملات است. ارتفاع سنگچین‌های گورهای آن ۱۸۲ سانتی متر است. با توجه به فرم و شباهت این نوع گور و موقعیت قرارگیری گورها در کنار منابع آبی، می‌توان این گورها را به جامعه نیمه کوچرو یا کوچرو منطقه نسبت داد. موارد مشابه نمونه‌های به‌دست آمده از این نوع گور در محوطه‌های گورستان چیدگی، چشنگر و توتان به چشم می‌خورد. در بررسی‌های انجام شده در مناطق حوزه مکران جنوبی (نیکشهر و چابهار) و جنوب شرق ایران، قبور زیادی شناسایی شده که برخی از آن‌ها به‌صورت انباشت قله‌سنگ رودخانه‌ای نامنظم با ارتفاعی بین ۱ تا ۱/۵ متر هستند و به نوع دامبی معروف هستند (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷). این نوع تدفین مربوط به دوره اشکانی بوده و مشابه آن‌ها در جاهای دیگر جنوب شرق نیز گزارش شده‌اند (سیدسجادی، ۱۳۷۴؛ خسروزاده، ۱۳۸۶؛ شیرازی، ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۹؛ خادمی‌بمی، ۱۳۹۲؛ Stine, 1937; Karlovsky, 1967). برخی از قبور بیضی و یا دایره‌ای شکل در این مناطق، قابل مقایسه با انواع قبور بیضی شناسایی شده در نیکشهر هستند هرچند در قبور شناسایی شده مورد قابل مقایسه به قبور دامبی یا دیگر انواع استوانه‌ای مشاهده نشد. اگرچه بسیاری از این گورها می‌تواند به کوچ‌نشینان مربوط باشد اما بررسی نزدیک‌ترین استقرار نزدیک آن‌ها به گاه‌نگاری آن‌ها خیلی کمک می‌کند. با توجه به کشف بقایای سفال از جمله سفال نوع لوندو می‌توان برخی از آن‌ها را مربوط به دوران اشکانی و با توجه به کشف سایر یافته‌های سطحی مربوط به دوران اسلامی دانست. هر چند برخی از آن‌ها مربوط به نیاکان ساکنان امروزی دهکده‌ها بوده است.

۶ محوطه از ۱۲ محوطه مانند بارگدن دم، بورکج، حبیب‌له‌گوری، جوانجا، منزلی و سررود شناسایی شده دارای پراکنش ضعیف داده‌ها و قطعات سفالی بودند؛ سفال‌های یافت شده در سطح محوطه‌ها منقوش و تزئینات دارند. در بخش شمالی محوطه بارگدن دم ۵ قطعه از نوع بدنه به دست آمد که تنها یک نمونه از آن‌ها طرح‌دار (دارای نقش افزوده و کنده) است (شکل ۴: ۵-۱). در سطح مرکزی محوطه بورکج تنها ۲ قطعه به‌دست آمد که مربوط به گردن ظرف بودند (شکل ۴: ۷-۶). در سطح محوطه حبیب‌له‌گوری ۸ قطعه سفال به صورت محدود یافت شد که مربوط به بخش‌هایی از بدنه و کف ظرف با تزئینات نقوش برجسته، افزوده و نقاشی بودند (شکل ۴: ۱۵-۸). در سطح مرکزی محوطه جوانجا ۳ قطعه به‌دست آمد که مربوط به بخش‌هایی از بدنه ظرف با تزئینات نقوش برجسته و کنده بودند (شکل ۴: ۱۸-۱۶). پراکندگی سفال به صورت محدود در مرکز محوطه منزلی دیده شد. ۹ قطعه به‌دست آمده از محوطه مربوط به بخش‌هایی از بدنه و کف ظرف با تزئینات نقوش برجسته بودند (شکل ۴: ۲۷-۱۹). در سطح محوطه سررود هم تنها ۱ قطعه به‌دست آمد که مربوط به لبه ظرف بود (شکل ۴: ۲۸). دو محوطه سر رود و بورکج از نظر گاه‌نگای نسبی صورت گرفته بر روی مجموعه سفالی یافت شده مربوط به دوره معاصر و اسلامی

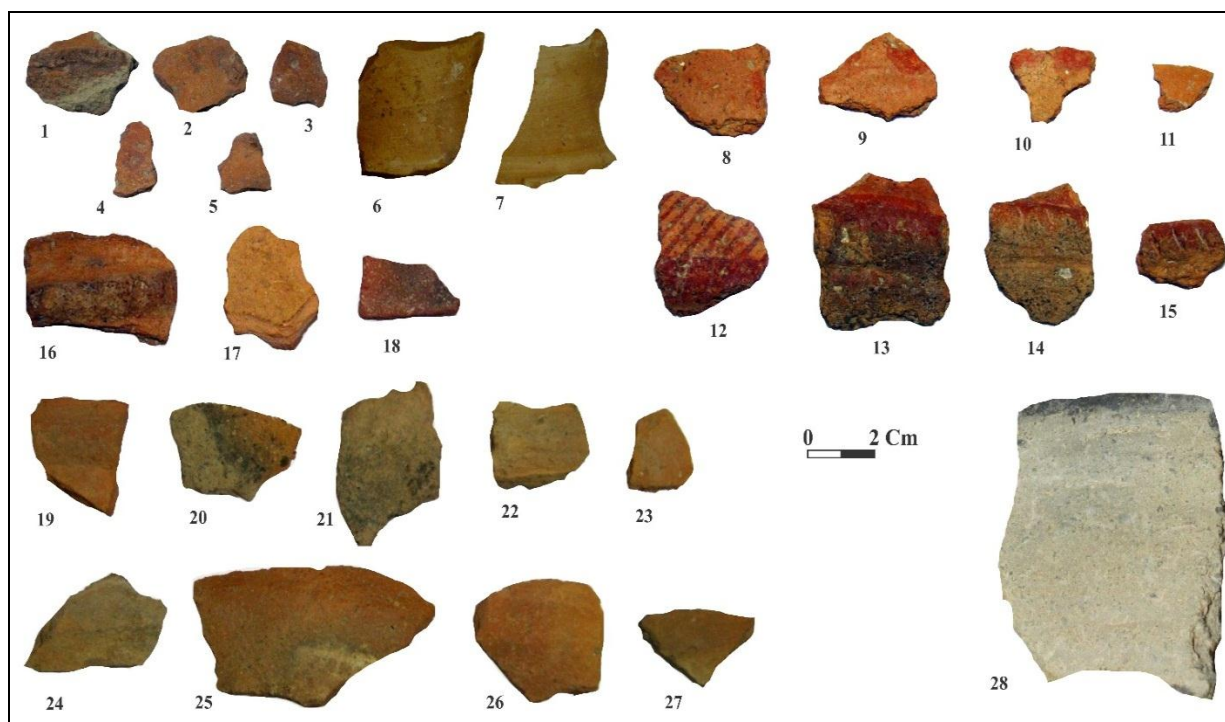
هستند. بسیاری از این سفال‌ها مشابه نمونه‌های به دست آمده از مناطق دام کوه و هزار مردی در منطقه بمپور و سایر مناطق منطقه مورد مطالعه بلوچستان هستند (De Cardi, 1951).



شکل ۲- محوطه‌های باستانی و متروکه: ۱ و ۲) بارگند دم، ۳-۶) بورکچ، ۷) گراندچیل، ۸) حبیب‌له‌گوری، ۹) جوانجا، ۱۰) لالک‌مرجائی، ۱۱) منزلی، ۱۲) سرود، ۱۳) دم‌سارتا، ۱۴) سیاه‌دن، ۱۵) سیاه‌وب‌دار و ۱۶) سهرکوچ.



شکل ۳- قبرستان‌های شناسایی شده: ۱ و ۲) بارگند دم، ۳) بورکچ، ۴) جوانجا، ۵) منزلی، ۶) دم‌سارتا.



شکل ۴- نمونه‌های سفالی: (۱-۵) بارگدن دم، (۶-۷) بورکج، (۸-۱۵) حبیب‌له‌گوری، (۱۶-۱۸) جوانجا، (۱۹-۲۷) منزلی، (۲۸) سررود.

علاوه بر سفال در سطح محوطه‌های بارگدن دم و سررود ۲ قطعه الگوی شیشه‌ای^۷ شکسته (دستبند شیشه‌ای) مزین به تزیینات مفتولی- طنابی تابیده شده چند رنگ بر روی بدنه به دست آمد (شکل ۵) که باتوجه به مقایسات و گاه‌نگاری نسبی صورت گرفته به قرن هشتم تا دهم ق.م می‌رسد و قابل مقایسه با نمونه‌های یافت شده از محوطه‌هایی چون الحشریمین، زلف‌آباد، بمپور، چاه‌حسینی و قصرالقدیم هستند (Boulogne and Hardy-Guilbert, 2010: 137, fig.3-q). در این بررسی گورستان‌هایی مربوط به دوران اسلامی شناسایی شد.



شکل ۵- نمونه‌های الگوی شیشه‌ای: (چپ) بارگدن دم و (راست) سررود.

یافته‌های مردم‌شناسی

بعد از بررسی دقیق و هدفمند میدانی (مشاهده و مصاحبه) در منطقه جنوب شرقی رشته‌کوه سفیدکوه که با کمک نقشه‌های ماهواره‌ای منطقه و مشاوره راهنمایان محلی انجام شد، ۱۲ استقرار شامل استقرارهای عمده، بزرگ و منسجم (دهکده) و نیز استقرارهای انفرادی شناسایی گردید. اما با هدف دریافت اطلاعات دقیق از مجموعه جوامع مد نظر و نیز شرایط سخت سکونتی و کمبود زمان و همچنین وجوه اشتراکی و شباهت‌های فرهنگی بین سایر استقرارها، ده دهکده اصلی شامل بارگدن (ندودوک)، سرخ کلوت جدید، کوچکدام (گوچگ دپ)، کددپ (کدگری)، کوپی‌دپ، تنگ‌سم، تورک‌گواش، دینگر، جوانجا و کوپچو مورد

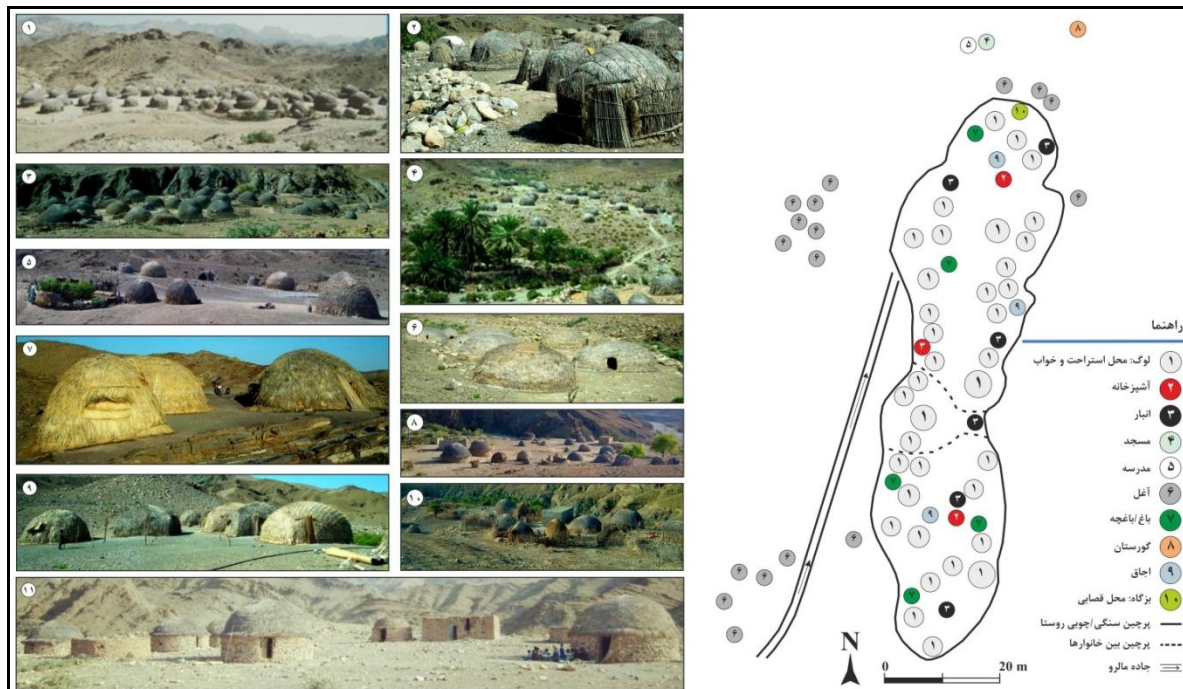
بررسی و مطالعه دقیق قرار گرفتند. اطلاعاتی مانند وضعیت استقرارها در محیط زیست و ارتباط آنها با یکدیگر، شناسایی الگوی استقرار، الگوی معیشتی و الگوی معماری و شناسایی وجوه اشتراکی و افتراقی بین جوامع معاصر مذکور و جوامع گذشته از اهداف عمده بخش قوم‌باستان‌شناسی و باستان‌شناسی منطقه بود؛ البته سه دهکده نیمه متروک با استقرار انفرادی یا تک خانوار در ادامه این پروژه مطالعه و ثبت گردید.

جوامعی که در منطقه سفیدکوه شناسایی شدند دارای ساختارها و الگوهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و همینطور زیستی، معیشتی، استقراری و معماری مختص به خود هستند. الگوی معماری مدور (در چهار مورد)، راست‌گوشه (در دو مورد) و معماری بیضی (در دو مورد) با کاربری‌های متفاوت شناسایی و ثبت گردید. همچنین الگوی معیشتی بسیار گسترده به دو صورت کلی اصلی و کمکی شامل دامداری، کشاورزی، باغداری، گردآوری، تولیدگری، شکارگری، ماهی‌گیری، تجارت و کارگری قابل مشاهده است. در این دهکده‌ها رهبری سیاسی خان یا بزرگ‌مرد به صورت جامعه‌ای خان‌سالار یا نیمه خان‌سالار برابر رواج دارد. الگوی استقراری جوامع شناسایی شده نیز بر پایه زندگی نیمه کوچروی و نیمه یکجانشینی است و اجتماعات مستقر در منطقه به دلیل عدم وجود منابع حیاتی نظیر آب و زمین مسطح (به دلیل کوهستانی بودن) در تراس‌های وسیع‌تر و مسطح‌تر رودخانه‌ها یا دشت‌های بسیار کوچک میان‌کوهی پایه‌گذاری شده‌اند؛ از این حیث جوامع مستقر در منطقه به دلایل موقعیت قرارگیری و شرایط ارتباطی در ایستایی بسیار بالایی به سر برده و از همین رو الگوهای زیستی و فرهنگی آنان کم‌ترین تغییرات را در طول سالیان دراز داشته است. بعد از بررسی یافته‌های به‌دست آمده از مشاهده این سکونتگاه‌ها، انجام مصاحبه با ریش‌سفیدان و بزرگان و در نهایت تکمیل پرسشنامه‌ها توسط افراد باسواد هر روستا ویژگی‌های این استقرارها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

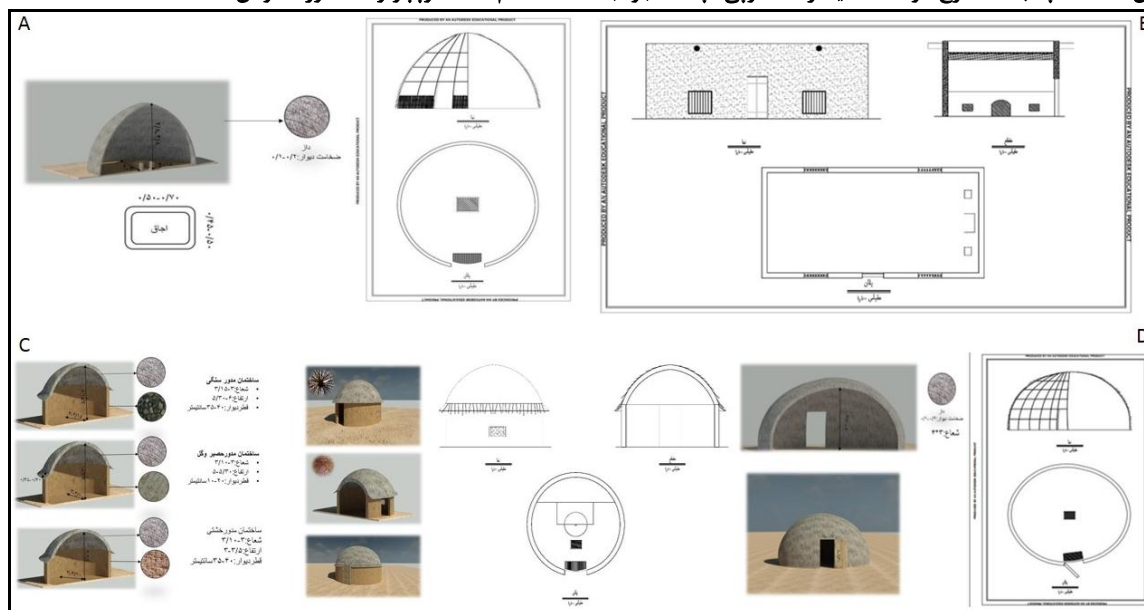
تفکیک فضایی: تفکیک فضایی درون دهکده‌ها برحسب روابط خونی و به صورت محسوس یا نامحسوس انجام می‌شود. هر دهکده محلاتی دارد که هر کدام، از اعضای یک خانواده تشکیل شده و در آن‌ها سرپرست خانوار به همراه فرزندان و دامادها و عروس‌هایی که اهل همان دهکده هستند، زندگی می‌کنند. البته این نوع تفکیک فضایی به معنی عدم ارتباط بین محله‌ها و افراد ساکن در آن‌ها نیست؛ هرچند در بیشتر این جوامع چیزی به نام حریم خصوصی مفهوم دقیق و حقیقی پیدا نمی‌کند. در مواردی چون رشد جمعیت و گسترش دهکده این مرزبندی محله‌ای به راحتی اما با اجازه رؤسای محله تغییر می‌کند. تنها کسانی که دارای ارتباط خونی و قومی با ساکنان هستند اجازه تردد در داخل محدوده محله‌ها، دهکده‌ها و حتی منطقه سفیدکوه را دارند. تفکیک فضایی بین محله‌ها در هر دهکده به دو شکل انجام می‌گیرد: در مورد اول که به خوانین دهکده‌ها اختصاص دارد، با پرچینی سنگی منطقه سکونت خان از سایرین جدا می‌شود؛ نمونه بارز آن در دهکده کوپچو و دهکده کوچ-کدام شناسایی شد. در مورد دوم که به بقیه افراد دهکده اختصاص دارد، تفکیک فضایی محله‌ها با پرچین چوبی انجام می‌شود؛ در تمام دهکده‌ها این نوع پرچین شناسایی شد. حریم اطراف هر لوگ (معماری دایره‌ای شکل) نیز با ریختن ماسه‌های سنگی در جلوی ورودی نشان داده می‌شود (شکل ۶). قلمرو دهکده‌ها معمولاً به طور متغیر شعاعی ۲ تا ۴ کیلومتری دارد که پیرامون هر دهکده را شامل می‌شود. در این قلمرو دهکده به همراه منابع آبی نظیر آب‌گیرها، چشمه‌سارها، چاله‌های نیمه‌عمیق آب، زمین‌های مسطح، باغات و زمین‌های زراعی قرار دارد. در برخی مواقع بحرانی و بروز شرایط نامطلوب محیطی و کمبود منابع یا تضمین امنیت برای دهکده‌های کوچک و اهالی آن‌ها، دهکده‌هایی که دارای موقعیت مناسب و راهبردی، جمعیت بیشتر و منابع گسترده‌تر هستند، دهکده‌های کوچک‌تر را زیر سلطه خود می‌گیرند؛ بارزترین و مشخص‌ترین نمونه فعلی این رفتار در دهکده بارگدن رخ داده که دهکده سرخ‌کلوت جدید را در محدوده قلمرویی خود پناه داده و تا حدود زیادی بر تمامی امور آن مشرف شده است. لازم به ذکر است که همه خوانین منطقه رابطه خونی و قومی نزدیکی دارند و خان دهکده سرخ‌کلوت نیز برادر خونی خان دهکده بارگدن است اما به هیچ عنوان اجازه ساخت‌وساز در حریم استقرار فعلی دهکده بارگدن را ندارد و در فضایی بیرون از دهکده بارگدن شکل گرفته است.

الگوی معماری: معماری دهکده‌های مسکونی فعلی بر پایه الگوی معماری مدور دازی، مدور سنگی، حصیری‌گلی، بیضی و الگوی معماری راست‌گوشه^۸ با استفاده کامل از مصالح بوم‌آورد شکل گرفته است (شکل‌های ۷: A, C, D و ۸: B, C, D, E). قابل ذکر است که تا کمتر از نیم قرن پیش الگوی معماری مدور خشتی نیز در منطقه رواج داشته است؛ این الگو امروزه از بین رفته و ما تنها نمونه‌های مخروبه و غیر مسکونی آن را مشاهده می‌کنیم. این شیوه خیلی هزینه بر است و از نظر زمان آماده-

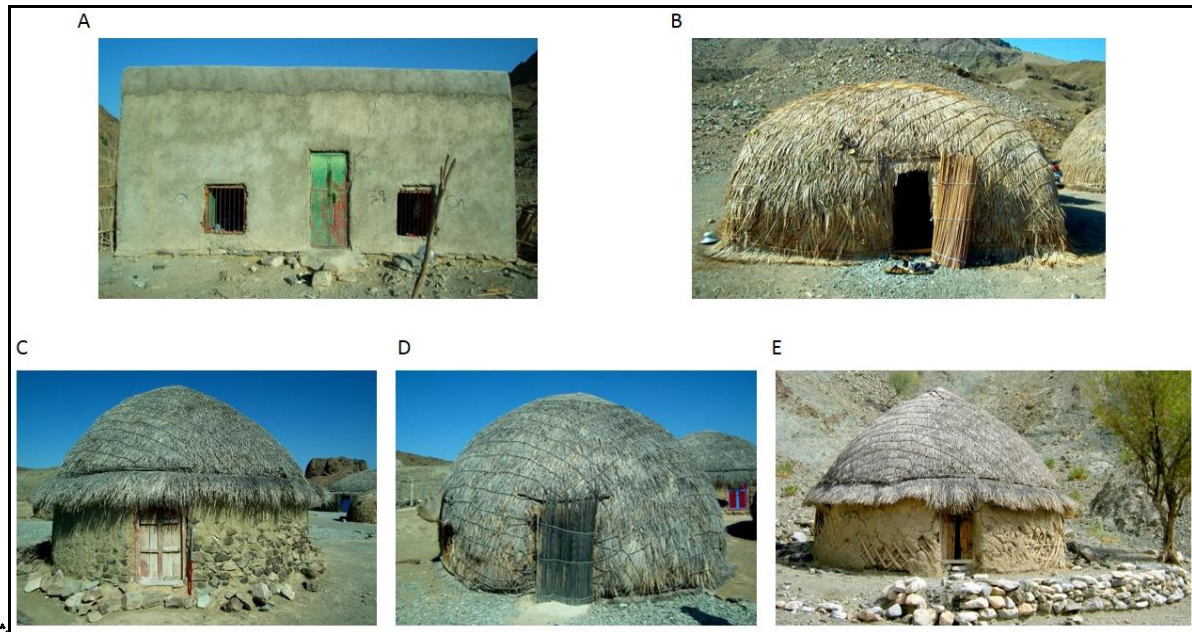
سازی مصالح، زمان ساخت و نیاز به نیروی کار زیاد، خیلی با سبک زندگی نیمه کوچ‌نشینی این مردم سازگار نیست؛ از همین رو خیلی از آن استقبال نشده است. خانوارهای ساکن در دهکده‌های نیمه شرقی عموماً به ترتیب از الگوی معماری مدور دازی، معماری مدور سنگی، معماری مدور خشتی؛ دهکده‌های عرض‌های شمالی از الگوی معماری بیضی و جوامع مستقر در نیمه غربی نیز از الگوی معماری مدور دازی، الگوی معماری مدور حصیری‌گلی، الگوی معماری مدور سنگی و الگوی معماری زاویه‌دار یا راست‌گوشه (اتاق) بهره می‌برند. به طور کلی به جز دهکده‌های کوپی‌دپ و تنگ‌سم که تنها از الگوی معماری بیضی استفاده می‌کنند، مابقی دهکده‌ها بنا به کاربردهای مختلف از انواع الگوی معماری مدور (سکونت و سایر فضاهای مورد نیاز روزمره چون انبار، حمام و آشپزخانه)، بیضی (در ساخت مسجد) و در برخی موارد معماری راست‌گوشه (سکونت و مختص خان‌های نیمه غربی) استفاده می‌کنند (شکل‌های ۶ تا ۸).



شکل ۶- راست) چگونگی پراکندگی و ساختارهای فضایی-مکانی روستاهای مسکونی، چپ) و نمای نزدیک آن‌ها: (۱) کوچکدام؛ (۲) کدپ الف؛ (۳) بارگدن؛ (۴) کدپ ب؛ (۵) سرخ‌کوت؛ (۶) دینگر؛ (۷) کوپی‌دپ؛ (۸) جوانجا؛ (۹) تنگ‌سم؛ (۱۰) کوپچو و (۱۱) تورک‌گواش.



شکل ۷- پلان و طرح‌های معماری مدور مستقر در دهکده‌های منطقه: (A) معماری مدور دازی، (B) معماری راست‌گوشه، (C) معماری مدور سنگی و گلی حصیری و خشتی و (D) معماری بیضی.



کل ۸- رایج‌ترین الگوهای معماری در دهکده‌های منطقه: (A) معماری راست‌گوشه، (B) معماری بیضی، (C) معماری مدور سنگی، (D) معماری مدور دازی و (E) معماری مدور گلی حصیری.

به طور میانگین هر خانوار دارای شش لوگ مدور متشکل از اجزای یک واحد ساختمانی چون حمام، آشپزخانه، نشیمن‌گاه، مهمان‌سرا، اتاق خواب و انبار است؛ البته این تعداد متغیر بوده و گاهی پنج تا هشت لوگ نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی در انواع معماری مدور حصیری گلی، معماری مدور سنگی یا معماری راست‌گوشه است. معمولاً خانوارها برحسب نیاز خود ممکن است این واحدها را کم یا زیاد کنند. هر محله دارای یک یا دو اجاق پخت و پز است (شکل ۹) و برای پخت نان نیز هر دهکده یک تنور در بیرون از دهکده دارد که همه اعضای روستا از آن استفاده می‌کنند. اجاق پخت و پز از ترکیب سنگ و گل به شکل دایره یا نیم‌دایره (نعل‌اسبی شکل) ساخته شده است ابعاد آن‌ها به ترتیب ارتفاع، قطر و ضخامت دیواره، ۶۰-۴۰-۲۰ سانتی‌متر است. معمولاً در این نوع اجاق‌ها، پخت نان بر روی ساج (آهنین) و پخت و پزهای روزمره انجام می‌گیرد.



شکل ۹- راست و وسط) نمونه اجاق‌های پخت و پز، چپ) بزگاه و محل سلاخی دهکده تورک‌گواش

استفاده از فضاهایی چون مهمان‌سرا یا حمام، آشپزخانه، و گاهی انبار همین‌طور سازه‌ای چون اجاق با توجه به روابط خونی و خویشاوندی نزدیک می‌تواند بین دو خانواده یا گاهی دو خانوار مشترک باشد و نیز ممکن است به دلیل کمبود فضا، نیاز به کاربری خاص و مواردی از این قبیل، کاربری سازه‌ها تغییر کند. عمر سازه‌ها به صورت میانگین زیاد نبوده و باتوجه به شرایط اقلیمی، بارش فصلی سیل‌آسا و استفاده از مصالح کم‌دوام متغیر است. معمولاً در بیش‌ترین طول عمر خود معماری راست‌گوشه (اتاق) در حدود ۷۰ سال، معماری مدور خشتی و سنگی در حدود ۵۰ سال، معماری مدور گلی حصیری در حدود ۳۰ سال و معماری مدور دازی و بیضی نیز در حدود ۱۰ الی ۱۵ سال کاربرد دارند. خان در دهکده به طور معمول یک یا در نهایت دو معماری مدور سنگی یا معماری گلی حصیری یا راست‌گوشه (به جز دهکده تنگ‌سم و کوپی‌دپ که خوانین از معماری بیضی استفاده می‌کنند) دارد. خانوارهایی که وضعیت مالی بهتری دارند و سرپرستان آنان معمولاً از بزرگان و پیران دهکده هستند، یک لوگ مدور گلی حصیری یا سنگی مشابه با الگوی معماری استفاده شده خان دارند. طبق بررسی‌های انجام شده مردمان محدوده شرقی سفیدکوه بلوچستان از معماری مدور سنگی به عنوان یک نوع مکان قرارگیری کالاهای با ارزش و گاهی نشیمن‌گاه در فصول سرد و گه‌گاه در فصول گرم استفاده می‌کنند. کاربری این سبک معماری را می‌توان ۷۰٪ جهت قرار دادن کالاهای مهم و شان‌زا، ۱۵٪ برای کالاهای استفاده شده و ۱۵٪ دیگر به عنوان نشیمن‌گاه در نظر گرفت. این وضعیت در معماری مدور دازی را می‌توان ۳۰٪ برای قرار دادن کالاهای مهم و شان‌زا، ۳۵٪ برای کالاهای استفاده شده و ۳۵٪ دیگر به منظور نشیمن‌گاه دانست، اما معماری دازی در ابعاد و اندازه‌های مختلف برای کاربری روزانه و نیاز اعضای جامعه بهره‌برداری می‌شود. در مقایسه‌ای دیگر مردمان محدوده غربی سفیدکوه بلوچستان از معماری مستطیلی فقط به عنوان یک نوع مکان برای قراردادن کالاهای با ارزش و گاهی نشیمن‌گاه استفاده می‌کنند. کاربری این فضاها را می‌توان ۷۰٪ برای قرار دادن کالاهای مهم و شان‌زا، ۱۵٪ برای کالاهای استفاده شده و ۱۵٪ دیگر برای نشیمن‌گاه دانست؛ زیرا آنان معتقدند که این سبک معماری در فصول پرباران آسیب‌پذیر است و معمولاً سقف آن ریزش می‌کند و این ترس باعث عدم استفاده گسترده از این معماری شده است. به صورت متغیر در هر دهکده تعداد ۲۵ تا ۹۰ معماری شامل معماری مدور سنگی، دازی، گلی حصیری، راست‌گوشه و بیضی به صورت ترکیبی و مجزا وجود دارد. محل خنک کردن و نگهداری آب از یک تیرک بلند در کنار پرچین محله و یا چهار تیرک عمودی مسقف تشکیل می‌شود.

ساختار خانوادگی/خویشاوندی و الگوی سیاسی

طی بررسی‌های میدانی و مصاحبه‌های صورت گرفته، اهالی از یک طایفه بوده و با یکدیگر فامیل هستند. ساختارهای خانوادگی مطابق با ساختارهای فرهنگی و مذهبی رشد کرده است؛ به طوری که ازدواج‌ها در سنین پایین (برای پسران ۱۴ الی ۱۶ و برای دختران ۹ الی ۱۲ سال) و نیز نشان کردن از بدو تولد می‌باشد. در هنگام ازدواج فاصله طبقاتی (در مواردی هم بدون اهمیت) افراد رعایت می‌شود و ازدواج اعضای یک دهکده با اعضای دهکده دیگر نیز وجود دارد. خان‌ها معمولاً تا سنین ۵۰ الی ۵۵ سالگی و در صورت صحت عقلی و جسمی به طور مستقیم امور دهکده را کنترل می‌کنند، در غیر این صورت به ترتیب پسر ارشد، زرن‌تر، با استعدادتر، برادر، برادرزاده آن‌ها و در نهایت فردی مستعد برای کنترل امور انتخاب می‌شود. خان‌ها و کدخداهایی چون دهکده کدپ و بارگدن که قلمرو بزرگ‌تر و قدرت سیاسی بیشتری دارند از اعضای اصلی و مهم شورای خوانین منطقه بوده و بر امور منطقه نیز نظارت و دخالت دارند. خان مانند سایر اعضای دهکده، امور شبانی، باغداری، کشاورزی، تولیدات صنایع دستی، ساخت خانه و امور متداول روزمره خود را انجام می‌دهد. او در حل و فصل مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ساکنین دهکده خود، مشورت به اعضای دهکده‌های دیگر که نسبت نزدیکی با او دارند و همچنین هم‌فکری با خان‌های دیگر منطقه از موقعیت خود استفاده می‌کند.

هر دهکده به صورت عمده دارای دو بخش حاکمیتی است؛ بخش اول خان دهکده و بخش دوم شورای دهکده که ترکیبی از افراد باتجربه و بزرگان دهکده است؛ این افراد در نبود خان به جای او در تصمیم‌گیری‌های دهکده دخالت دارند. روند قدرت در منطقه به صورت خطی و از بالا به پایین است. در منطقه، اما نوع و مراتب قدرت کمی متفاوت‌تر است. شورایی به نام شورای خوانین وجود دارد که در آن خوانین تمامی دهکده‌های منطقه حضور دارند و در صورت بروز مشکلات اقتصادی، فرهنگی، معیشتی، سیاسی و عوامل تهدید کننده منابع با برگزاری جلساتی در دهکده‌های یکدیگر به هم‌فکری و در صدد رفع این

مشکل بر می‌آیند؛ البته شورای خوانین دارای یک خان روحانی است که علاوه بر خان بودن در دهکده جوانجا تنها مبلغ مذهبی فعلی در منطقه نیز است. او نیز در مرحله دوم در صورت عدم به نتیجه رسیدن نسبی شورا وارد عمل شده و در صدد رفع مشکل بر می‌آید. البته در منطقه هیچ تمایل و وابستگی به نهادهای دولتی و حکومت مرکزی و قوانین آن وجود نداشته و همواره از رجوع به نهادهای قانونی برای برطرف کردن مشکلات‌شان پرهیز می‌کنند.

جمعیت‌شناسی به علت شرایط سخت محیطی، وجود بیماری‌های تهدید کننده جمعیت نوزاد، کمبود منابع در برخی فصول خشک و عدم دسترسی به منابع و راه‌ها و تعاملات درون منطقه‌ای، جمعیت هر دهکده همواره در حال تغییر است؛ علاوه بر این، ساختار مادر مکانی و سکونت داماد در محله و دهکده خانواده عروس بعد از ازدواج در جابه‌جایی جمعیت در محله‌ها و دهکده‌ها موثر است. به طور معمول هر دهکده دارای جمعیتی در حدود ۲۵ تا ۲۵۰ نفر است. در کل منطقه جمعیتی در حدود ۱۲۰۰ نفر به صورت ساکن و جمعیتی در حدود ۴۰۰ نفر به صورت شناور زندگی می‌کنند.

تدفین

تدفین در منطقه بر پایه دین اسلام و مذهب اهل سنت انجام می‌گیرد. گورستان‌هایی در فاصله حدودی ۱۰۰۰ متری هر دهکده قرار دارند که به شکل مدور تودرتو، با پرچین سنگی به ارتفاع ۶۰ الی ۷۰ سانتی‌متر از سطح زمین و چند ورودی محصور شده‌اند. گاهی این گورستان بین چند روستا (به عنوان مثال دهکده بارگدن، کوچکدام و سرخ‌کلوت جدید) مشترک است (شکل ۳).

الگوی معیشت

الگوهای معیشتی (شیوه‌های امرار معاش) قابل توجهی را می‌توان در میان جوامع ساکن در سفید کوه یافت که شامل کشاورزی، دام‌داری، باغ‌داری، شکار و جمع‌آوری غلات، تولیدات خانگی، دادوستد، ماهی‌گیری و صرفاً نیروی کار است (شکل ۱۰). گسترده‌ترین آن‌ها کشاورزی و دام‌داری مبتنی بر شماری بز است که به طور کامل بیرون از فضای دهکده یا در کنار پرچین نگه‌داری می‌شوند. همین‌طور گوسفند یا میش نیز با درصدی بسیار اندک به‌منظور بهره‌برداری از گوشت و شیر در دهکده بارگدن نگه‌داری می‌شود. اهالی هر روستا از چهارپایانی چون بز، الاغ، گوسفند یا میش و ماکیان به ندرت نگه‌داری و بهره‌برداری می‌کنند؛ گله‌ها روزانه به صورت شیفتی بین اعضای دهکده‌ها با هر نوع رتبه اجتماعی برای چرا به حومه در محدوده قلمرو هر دهکده برده می‌شوند. در آخر از بزها برای بهره‌برداری از گوشت و پوست (مشک) و شیر آنان و از الاغ برای بارکشی و حمل و نقل و از ماکیان برای گوشت و تخم استفاده می‌گردد، اما کشاورزی ابتدایی نیز از متداول‌ترین الگوهای معیشتی قابل بهره‌برداری در بین اهالی بوده و هر دو سه خانوار و تقریباً هر محله یک باغچه محصور در محدوده خود دارند که در آن یک یا دو درخت میوه و سبزیجات کاشته و از آن بهره‌برداری می‌کند.

باغات در حاشیه رودخانه‌های فصلی و در مجاورت دهکده‌ها برای کاشت درختانی چون لیموشیرین و لیموترش، کنار، انار، انجیر، خرما و پرتغال ایجاد شده‌اند. الگوهای دیگر چون شکار و گردآوری بسیار متنوع و از پیشه‌های کمکی و قدیمی رایج در منطقه است. هر خانوار زمینی در بیرون از دهکده و در مجاورت منابع آبی را که ابعادی بین ۳×۳ متر تا ۱ هکتار دارد کشت می‌کند. در این زمین‌ها محصولات چون سبب‌زمینی، عدس، لوبیا، هندوانه، خیار، گوجه، توتون، خشخاش، سیر، پیاز، باقالا، کدو و سبزیجات کاشته می‌شود. نحوه آبیاری این مزارع به دو صورت دیم و آبیاری منظم است که باتوجه به شرایط اقلیمی و محیطی کشاورزی به روش دیم و در فصل پربارش سال صورت می‌گیرد و تنها ۲۰٪ کشاورزی به شکل آبیاری منظم در منطقه صورت می‌گیرد. در فصول سرد و یا بحرانی شکارچی دهکده به شکار رفته و شکار را در بیرون از دهکده (بزگاه) سلاخی و بین اهالی تقسیم می‌کند. این محل متشکل از دو تیرک عمودی به ارتفاع ۲ متر و یک تیرک افقی به طول ۱۷۰ سانتی‌متر از جنس داز است (شکل ۹: چپ).



شکل ۱۰- انواع الگوهای معیشتی رایج در منطقه سفیدکوه مکران: (A) داد و ستد، (B) کارگری، (C) گردآوری، (D) ماهی‌گیری، (E) کشاورزی، (F) دامداری، (G) تولید و (H) باغداری.

مردم معمولاً از روش خشک کردن برای مواد خوراکی خود از جمله گوشت به صورت تابش مستقیم آفتاب و غیرمستقیم در انبارهای مواد غذایی بهره می‌برند. این مردمان از نوع دیگری از الگوی معیشتی نظیر تجارت کالا به کالا یا کالا به پول در بین دهکده‌های هم‌جوار و یا شهرهای اطراف بهره می‌برند. در فصول خشک‌سالی و نبود شغل مردان جوان‌تر برای کسب درآمد به شهرهای هم‌جوار چون زرباد، اصفهان، شیراز، یزد، کرمان و نیز سمنان و در مواردی در سال‌های دور به کشورهای امارات و عمان رفته و در آن‌جا به کارگری مشغول بوده و از آن طریق به وضعیت اقتصادی خود و دهکده کمک می‌کنند. تولیدات نیز از دیگر الگوهای معیشتی این مردم است. آن‌ها از شیر بز به تولید ماست، دوغ و قره‌قروت می‌پردازند که معمولاً مصرف داخلی دارد و در بازارهای شهری بر خلاف کشک عرضه نمی‌گردد. صنایع دستی این جوامع بیشتر از سوی زنان تولید شده و مردان نیز در این امر تا ۴۵٪ یا حتی می‌توان گفت ۵۰٪ شریکند. صنایع دستی شامل طناب، سبد، کمر بند خرماچینی، زیرانداز حصیری، ظروف حصیری و مشک است که کاربرد روزانه در بین این مردمان دارد. در مواقعی برای تزئین ظروف از بافت مشترک حصیر و نخ‌های کاموایی رنگارنگ که از شهر تهیه می‌شود، استفاده می‌کنند. در آخر می‌توان به الگوی معیشتی ماهی‌گیری اشاره کرد که در دهکده‌هایی که در نقاط مرتفع‌تر قرار گرفته‌اند و دارای آب‌گیرهای زیادی هستند، استفاده می‌شود. آن‌ها با استفاده از یک ظرف حصیری به شکل قایق کوچک یا لنگ‌های پارچه‌ای به صید گونه‌ای خاص از ماهیان بومی این منطقه می‌پردازند. این ماهیان در اندازه‌های ۷ سانتی‌متری تا ۲۵ سانتی‌متری رشد کرده و دیده می‌شوند. این پیشه در بین مردمان دهکده تنگ‌سم نسبتاً بیشتر رواج دارد و به شکل یک الگوی مکمل تامین کننده غذا است. در دهکده‌ها به صورت محسوس تخصصی شدن مشاغل قابل رویت است به طوری که هم برای ساخت و ساز بعضی از انواع معماری در این دهکده معمار و شاگردش به وجود آمده‌اند که بر مراحل کار اشراف دارند و در واقع یک نوع تخصصی شدن این حرفه؛ یعنی معماری را شاهد

هستیم (شکل ۶: B). دختر خان دهکده بارگدن با تخصص خیاطی، داشتن چرخ و یک لوگ به عنوان کارگاه خیاطی با سوزن دوزی و خیاطی به آموزش دختران دهکده می‌پردازد. پیشه شکارگری نیز تا حدودی امری تخصصی است که هم به صورت حرفه‌ای یا تخصصی از سوی شکارچی دهکده و هم غیرحرفه‌ای از سوی بعضی از اهالی صورت می‌گیرد.

منابع آب: به طور معمول از چشمه‌ها، آب دهکده‌ها را تامین می‌کنند و آب آبیگرهای فصلی از طریق جوب‌هایی که چند کیلومتر کشیده شده‌اند (زیرساخت دقیق دارند و به طور منظم مرمت می‌شوند) به زمین‌ها یا باغات منتقل می‌گردد. چشمه‌ها معمولاً ظرف مدت مشخص آب دهکده‌ها را تامین می‌کنند و بعد از کور شدن در قلمرو مشخص شده، در همان قلمرو به شناسایی چشمه می‌پردازند. در صورت عدم وجود چشمه از دهکده‌های تابع یا دهکده‌های دوست چشمه می‌گیرند. به دلیل قرارگیری برخی دهکده‌ها در تراس مرتفع و پرشیب، دسترسی به آب تا داخل دهکده میسر نیست و از طریق ظروف و مشک‌ها که بیشتر از سوی زنان حمل می‌شود آب به داخل دهکده یا کمپ آورده می‌شود.

راه‌های ارتباطی: دهکده‌های مستقر در منطقه معمولاً دارای راه‌های ارتباطی فعالی هستند که شامل جاده ماشین‌رو (خیلی کم)، موتوررو و مال‌رو بوده و برای تعاملات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و رفاهی با درون یا بیرون از منطقه از آن‌ها استفاده می‌کنند. کوهستانی و سخت‌گذر بودن منطقه یکی از عوامل موثر بر راه‌های ارتباطی دهکده‌ها در منطقه است.

از آسیب‌های وارده به این دهکده‌ها فقط می‌توان به فرسایش طبیعی اشاره کرد. روند کوچ که در گذشته با دوره‌ای یک تا شش ماهه به منظور شناسایی مکانی مناسب در شعاعی ۱۰۰ الی ۵۰۰ متری انجام می‌شد به تعویق افتاده و نیز با در دسترس بودن منابع آبی مداوم نظیر چشمه‌هایی پرآب، دوره زمانی استقرارهای امروزی در منطقه به ۲۰ الی ۵۰ سال نیز رسیده است. زمان استقرار در دهکده‌های منطقه از ۷ تا ۷۵ سال به طور نسبی تخمین زده می‌شود. به دلیل عدم دسترسی آسان‌تر نسبت به سایر مناطق روستایی به سختی تحصیل می‌کنند و از خدمات درمان عمومی محروم هستند و با روش‌های سنتی به مداوای افراد بیمار می‌پردازند. نیمی از دهکده‌ها به صورت کلی دارای مدرسه بوده و تقریباً تمام دهکده‌ها دارای مسجد هستند.

بحث و گفتگو

طی مطالعات انجام شده در ده دهکده، اصلی‌ترین مدارک شناسایی شده در بخش قوم‌باستان‌شناسی که بسیار مرتبط با یافته‌های باستان‌شناسی است، الگوی معماری بود که سه نوع الگوی متفاوت را دربرداشت: ۱. الگوی معماری مدور: معماری مدور که خود دارای چهار زیرشاخه با سه ابعاد مختلف بود؛ این الگوی معماری به چهار دسته معماری دازی، معماری سنگی، معماری حصیری گلی و معماری خشتی تقسیم می‌گردد. چهار نوع الگوی معماری شناسایی شده در منطقه مطالعه شده جزء یکی از بهترین شواهد منسجم این دسته معماری در منطقه جنوب‌شرقی ایران است. این نوع معماری در محوطه‌های باستانی شناسایی و بررسی شده در حوزه‌های فرهنگی میان‌رودان (طلایی، ۱۳۹۴)، ایران (ماتیوز، ۱۳۹۳؛ واحدی، ۱۳۹۹)، قفقاز و ماروآ قفقاز (حصاری و اکبری، ۱۳۸۵؛ برای مطالعه بیشتر. ر.ک Kiguradze, 1986)، آناتولی (مٹیوز، ۱۳۹۳ و Haklay and Gopher, 2019)، لوانت (Yeshurun et al., 2014; Bar-Yosef, 2008; Bridault et al., 2008; Goring-Morris et al., 2013)، خلیج فارس و عمان (Carter, 2002; Mark Beech et al., 2005; Cavulli, 2004; Munoz, 2019; LeMée et al., 2013)، شناسایی شده است. از لحاظ جنس، ابعاد، نوع ساخت و تراکم همسان بوده و شباهت نزدیک و غیر قابل انکاری با فرهنگ‌های پیش از تاریخی بیان شده، دارد. معماری بیضی نیز با تراکم نسبتاً کمی (در حدود ۱۰٪ در منطقه) با کاربری مسکونی در سه دهکده تنگ‌سم، کوپی‌دپ، دینگر و کاربری عمومی (مسجد) در سایر دهکده‌ها شناسایی و در دو زیرگونه بیضی و بیضی زاویه‌دار با ابعاد بزرگ و متوسط ثبت و مطالعه گردید. شواهد این نوع معماری به صورت ضعیف در محوطه‌های باستانی کشف شده در منطقه سفیدکوه و نیز یک نمونه در معماری کاوش شده در محوطه مروح در خلیج فارس شناسایی شده است. این نوع معماری با بافت حصیری و دازی ساخته شده و استفاده می‌شود. آخرین الگوی معماری، معماری راست گوشه یا مستطیلی است که تا حدودی در ابعاد متغیر نبوده و تنها در تزیینات داخلی متغیر و قابل تمایز از یکدیگر هستند. این الگوی معماری به صورت نادر و با درصد بسیار کمی با کاربری سیاسی نظیر خانه خان یا انبارهای شخصی استفاده می‌شود و مصالح به کار رفته در آن سنگ و تیرک‌های چوبی است. این معماری به صورت محدود در بررسی‌های باستان‌شناختی در سفیدکوه مکران نیز شناسایی و ثبت گردید. نوع نادری از معماری مدور شناسایی شده در منطقه از نوع معماری خشتی بوده که نشانگر جایگاه

اقتصادی و سیاسی مالک آن بوده که متشکل از خشت‌های سیگاری است؛ این معماری در محوطه بورکج شناسایی گردید و مشخص شد که صاحب آن به دلیل دارا بودن جایگاه اقتصادی ویژه و برتر نسبت به خان و سایر اعضای کلنی از این نوع معماری در تعداد دو ساختمان بهره‌برداری می‌کرده است. شواهدی از این نوع معماری در بافت امروزی جوامع مذکور دیده نشده است. ویژگی‌هایی آشکار و نهان در بافت‌های معماری این جوامع شناسایی و ثبت گردید که می‌توان به تغییر بعضی از این شواهد در بافت معماری اشاره کرد، از جمله تغییر منقل یا آتش‌دان در مرکز معماری مدور و انتقال آن در معماری بیضی به بیرون از فضای معماری در موارد و تغییر شکل آن به صورت شومینه در معماری راست گوشه اشاره نمود.

الگوی استقرار در این جوامع به نسبت زیادی با موقعیت قرارگیری استقرارهای نوسنگی اولیه شباهت دارد. دهکده‌های مذکور به دلیل نبود زمین مسطح و یا کمبود آن در دشت‌های کوچک و میان‌کوهی و در تراس رودخانه‌های فصلی و یا در کنار منابع آبی دائم همانند چشمه‌ها شکل گرفته‌اند. معمولاً این استقرارها بسته به میزان جمعیت، میزان منابع آبی و میزان منابع بهره‌برداری شده اعضای گروه رشد یا روند متروک شدن خود را می‌گذرانند. استقرارهای شکل گرفته در منطقه شامل استقرارهای خوشه‌ای، دایره‌ای، بیضی، نامنظم و پراکنده با دو معیار استقرارهای مرکزی یا حومه (استقرارهای بزرگ و استقرارهای تک خانواری) شکل گرفته است. شواهد باستان‌شناختی در منطقه سفیدکوه مکران نیز به ما نشان داده است که محوطه‌های باستانی شناسایی شده در منطقه سفیدکوه مکران در تراس رودخانه‌ها یا مناطق مسطح میان‌کوهی شکل گرفته است. بر اساس گاه‌نگاری نسبی داده‌های سفالی فصل اول و گاه‌نگاری مطلق نمونه‌های سفالی فصل دوم مطالعات باستان‌شناختی می‌توان برخی از این محوطه‌ها را به دوران مس و سنگ، مفرغ و عمده محوطه‌ها را به خصوص به دوران تاریخی (پارتی- اشکانی) منسوب کرد؛ سفال شاخص فرهنگ لوندو از محوطه‌هایی چون دامب‌کوه و هزارمردی در منطقه بمپور و سایر محوطه‌های حوزه مطالعاتی بلوچستان و نیز سفال‌های پیش از تاریخی (مس و سنگ) و همچنین گونه‌ای سفال ناشناخته یا بومی از منطقه شناسایی شده است (Decardi, 1951 و فرجامی، ۱۳۹۲؛ واحدی، ۱۳۹۹). سفال شاخص فرهنگ لوندو^۹ از محوطه‌هایی چون دامب‌کوه و هزارمردی در منطقه بمپور و سایر محوطه‌های حوزه مطالعاتی بلوچستان شناسایی شده است (Decardi, 1951 و فرجامی، ۱۳۹۲). روند تداوم این استقرارها رابطه مستقیم با میزان منابع، الگوی معیشتی و الگوی سیاسی دارد که در صورت عدم یا ایجاد مشکلاتی در خلال این مسئله اجتماع ساکن دست به کوچی افقی در منطقه قلمرو هر دهکده زده و گاهی پیش می‌آید که به دلیل نبود مناطق مسطح کافی یا منابع آبی با موافقت شورای خوانین در منطقه و توافق دو خان (خان دهکده کوچ کننده و خان دهکده مستقر) اجتماع کوچ کننده در محدوده قلمرو دهکده همسایه مستقر می‌شود. از نظر روند تعاملات فرهنگی سیاسی تا زمانی که این استقرار در منطقه همسایه مستقر است به نوعی تابع و زیر مجموعه دهکده میزبان قرار می‌گیرد. کوچ درون منطقه‌ای (درون کوهستان) به صورت افقی یا عمودی اما کوتاه برد صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی دقیق و هدفمند میدانی (بررسی باستان‌شناسی، مشاهده و مصاحبه) در منطقه جنوب شرقی رشته‌کوه سفیدکوه که با کمک نقشه‌های ماهواره‌ای منطقه و مشاوره راهنمایان محلی انجام شد، دوازده استقرار باستانی شامل استقرارهای بزرگ و منسجم و نیز استقرارهای انفرادی و ده دهکده اصلی مسکونی شناسایی شد. محوطه‌های بارگدن دُم، بورکج، گراندچیل، حبیب-له‌گوری، جوانجا، لالک مرجاعی، منزلی، سررود، دُمب سارتا، سیاه‌دن، سیاهوب‌دار و سُهرکُچ از جمله محوطه‌های باستانی شناسایی شده هستند که ارتفاع آنها به علت تسطیح در دوره‌های بعد و شاید تک‌دوره و کم‌عرض بودن لایه‌های فرهنگی با زمین‌های اطراف هم سطح بود. براساس فضابندی که برای فعالیت‌های مجزا در کمپ‌های مسکونی در نظر گرفته شد در کنار مطالعه شواهد محوطه‌های گذشته این منطقه، امکان شناسایی و تفسیر محوطه‌های باستانی و قدیمی‌تر وجود دارد. شواهد باستانی سطحی که از طریق بررسی‌های باستان‌شناسی شناسایی شد، عمدتاً شامل سکونتگاه‌های متروک، گورستان، کانال‌های آبیاری، مزارع زراعی و محوطه‌های سنگی با کاربری نامشخص است. براساس نتایج به‌دست آمده از یافته‌های مردم‌شناسی که از دهکده‌های بارگدن (نَدودوک)، سرخ کلوت جدید، کوچکدام (گوچگ دپ)، کدَظ (کُدگری)، کوپی‌دپ، تَنگ‌سَم، تورک‌گوآش، دینگر، جوانجا و کوپچو به‌دست آمد و مقایسه شواهد باستانی باید اشاره کرد که الگوی معماری کنونی منطقه ریشه در فرهنگ و سنن مردم منطقه داشته که از دیرباز به صورت مدور برپا می‌شده است؛ الگویی که با استقرار در مناطق مسطح میان‌کوهی یا

تراس رودخانه‌ها ایجاد شده و به صورت پلان‌های بیضی، مدور، خوشه‌ای، نامنظم، خطی و مشابه با جوامع پیش از تاریخ و بر مبنای شیوه معیشت طیف وسیع اقتصادی شکل گرفته است. با بررسی نتایج به دست آمده از مقایسه دو گروه یافته‌ها، می‌توان ادعان داشت که شیوه رایج در منطقه کاملاً از هر نظر با شیوه زندگی جوامع اولیه نیمه یک‌جانشین مطابقت دارد. باتوجه به بررسی استقرارهای موجود و نیز نوع معماری می‌توان به خوبی اشاره کرد که الگوی معماری در ارتباط نزدیک با الگوی معیشت، الگوی سیاسی و الگوی فرهنگی همچنین الگوی استقرار است. باتوجه با ساختارها و فاکتورهای بررسی شده می‌توان در نظر گرفت که عدم تغییر و منحصر به فرد ماندن این جوامع در طول سالیان متمادی، به خاطر عدم ارتباط با جوامع دیگر و موقعیت قرارگیری در کوهستان‌های غیرقابل نفوذ و نیز تاحدودی عدم تمایل به ارتباط به دلایل شغلی با سایر مناطق همجوار است. این وضع به شکل‌گیری جوامعی منحصر به فرد منجر شده که از نظر ساختارهای سیاسی، اجتماعی، معماری، معیشتی و استقرار شباهت بالقوه‌ای با جوامع پیش‌ازتاریخی (منحصراً دوران نوسنگی و اوایل مس و سنگ) دارند. به دلیل عدم گزارش محوطه‌های نوسنگی در منطقه بلوچستان، انجام مقایسه این جوامع و محوطه‌های باستانی شناسایی شده در منطقه وجود ندارد اما نتایج گاه‌نگاری مطلق بر روی نمونه‌های سفالی به‌دست‌آمده حاصل از بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه سفیدکوه که در پژوهشی دیگر در دست انجام است، حضور انسان از دوران مس‌وسنگ، مفرغ و ادوار متاخر در منطقه را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Baregdan Dom, Borkoj, Gerandchil, Habib Lah Gori, Javanja, Lalak Marjaei, Menzeli, Sar Rud, Sarta Grave, Siyah Dan, Siyahob Dar, Sohr Koch.

2. Dozi

نوع اول معماری مدور شناسایی شده و کاربردی‌ترین و رایج‌ترین آن در منطقه سفیدکوه است. کم دوام است و در ابعاد و اندازه‌های مختلف استفاده می‌شود. در این نوع معماری تمام بافت از برگ درخت داز و گاه‌ها تیرک‌ها از شاخه‌های درخت کنار ساخته می‌شوند.

3. Dozi sangi

نوع دوم معماری مدور است که نشانگر رتبه‌بندی اجتماعی، جایگاه افراد و تاحدودی نشانگر فاصله طبقاتی در دهکده‌ها است. در این نوع معماری بدنه و پی کاملاً از سنگ ساخته می‌شود و جزء مقاوم‌ترین نوع معماری مدور به حساب می‌آید.

4. Dozi geli

۴. نوع سوم معماری مدور است که همانند نوع دوم نشانگر شاخصه‌های اجتماعی و سیاسی افراد است. این نوع معماری کمی متفاوت‌تر از دیگر انواع قبلی است و عمری به نسبت کمتر از نوع مدورسنگی دارد. در این نوع معماری، بدنه اصلی از تیرک‌های داز و کنار ساخته شده و بعد از بافتن لوزی مانند شاخه‌های داز در هم‌دیگر روی آن‌ها از بیرون و داخل با گل اندود می‌شود.

5. Khakesrari

۵. نوع استثنایی از معماری مدور است که نشانگر رتبه‌بندی اجتماعی و اقتصادی و جایگاه افراد در دهکده‌ها بوده است. در این نوع معماری بدنه از خشت‌های مستطیلی شکل به ابعاد تقریبی ۱۰×۱۶×۲۰ سانتی‌متر و با ملات کم عرض ایجاد می‌شود. پی کاملاً سنگی است و جزء مقاوم‌ترین و پرهزینه‌ترین نوع معماری مدور بوده، که امروزه به خاطر هزینه زیاد و نبود مصالح مناسب در محل به غیر از دهکده بورکج در هیچ یک از دهکده‌ها رویت نشد.

۶. معماری بیضی نشان‌دهنده مرحله تغییر الگوی معماری مدور به راست گوشه است. این نوع معماری در دو نوع کاملاً بیضی و بیضی زاویه‌دار دیده می‌شود و از الیاف‌گیاهی (برگ و شاخه‌های داز و درخت کنار) ساخته می‌شود و همانند معماری مدور دازی از عمر کمی برخوردار است. این گونه معماری در بافت دهکده‌های شمالی کوهستان وجود دارد.

7. Glass bangle

۸. گونه آخر معماری موجود در منطقه سفیدکوه که در دوره معاصر وارد بافت معماری منطقه شده است. سقف این نوع معماری ترکیبی از تیرک‌های چوبی (تنه درختان کنار و نخل) و حصیر بافته شده و لایه قطوری از کاه گل و بدنه آن متشکل از قلوه‌سنگ‌های بزرگ با ملات گچ و گل (گاه‌ها سیمان) است. این نوع معماری نیز نشان‌دهنده فاصله طبقاتی است. از عمری طولانی برخوردار است و در منطقه به صورت کاملاً نادر آن هم در مناطق غربی و جنوب‌غربی سفیدکوه دیده می‌شود. خیلی هزینه بر است و از نظر زمان و نیروی کاری به هیچ وجه با سبک زندگی این مردم سازگار نیست. از همین رو خیلی از آن استقبال نشده است.

9. Londo Culture

کتاب‌نامه

۱. جانب‌اللهی، محمدسعید؛ ۱۳۶۷، فنون کوچ‌نشینان بلوچ در سازگاری با محیط زیست نمونه عشایر سراوان (نمونه: عشایر سراوان)، انتشارات پاپلی، ۹: ۱۲۲-۱۴۸.
۲. جانب‌اللهی، محمدسعید؛ ۱۳۷۵، مسکن سنتی بلوچ، تحقیقات جغرافیایی، ۴۳: ۹۲-۱۱۸.

۳. جانب‌اللهی، محمدسعید؛ ۱۳۷۵، *نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در طوایف بلوچ سرحد (نمونه: طایفه ریگی)*، تحقیقات جغرافیایی، ۴۱: ۵۹-۸۲.
۴. جانب‌اللهی، محمدسعید؛ ۱۳۷۷، *ستاره‌شناسی و گاه‌شماری عشایر بلوچ و طوایف سیستان*، تحقیقات جغرافیایی، ۴۹: ۱۱۷-۱۰۰.
۵. حصاری، مرتضی؛ اکبری، حسن؛ ۱۳۸۵، *مسئله معماری عصر برنز قدیم ماورای قفقاز*. پیام باستان‌شناس، ۶: ۴۳-۶۲.
۶. حمیدی، قربانعلی؛ رضانی‌فرد، محسن؛ ۱۳۷۴، *گزارش مردم‌شناسی شهرستان نیک‌شهر*، چاپ نشده محفوظ در آرشیو میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری شهرستان نیک‌شهر.
۷. خادمی‌بمی، مهیار؛ ۱۳۹۲، *بررسی چگونگی ساختار و پراکنش گورهای سنگ‌چین موجود در حوزه‌ی جنوب‌شرق ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.
۸. خسروزاده، علیرضا؛ ۱۳۸۶، *مروری بر گورهای سنگ‌چین جنوب‌شرق ایران*، نامه پژوهشگاه، ۲۰: ۸۹-۱۰۴.
۹. روح‌الله شیرازی؛ علیرضا عسکری‌چاوردی؛ سامان فرزین؛ عابد تقوی، ۱۳۹۲، *بررسی باستان‌شناختی بر تدفین‌های سنگی بلوچستان (جنوب شرق ایران)*، خراسان بزرگ: سال چهارم، ۱۱: ۲۱-۳۹.
۱۰. سالزمن، فیلیپ؛ ۱۳۶۲، *کوچ متفاوت دو طایفه بلوچ، ترجمه نیما همای، ایلات و عشایر، مجموعه مقالات تهران: انتشارات آگاه، ۱۸۰-۱۹۰.*
۱۱. سیدسجادی، سید منصور؛ ۱۳۷۴، *باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان (هشت گفتار)*، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
۱۲. شیرازی، روح‌الله؛ ۱۳۸۸، *گزارش مقدماتی بررسی شهرستان نیک‌شهر*، محفوظ در آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان. منتشر نشده.
۱۳. شیرازی، روح‌الله؛ ۱۳۸۹، *گزارش مقدماتی بررسی شهرستان چابهار*، محفوظ در آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان. منتشر نشده.
۱۴. طلایی، حسن؛ ۱۳۹۰، *باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین*، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. فرجامی، محمد؛ ۱۳۹۲، *گسترش سفال لوندو در محدوده خراسان جنوبی*. همایش ملی باستان‌شناسی ایران دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند.
۱۶. متیوز، راجرز؛ ۱۳۹۳، *پیش از تاریخ دیرین بین‌النهرین*، مترجم: بهرام آجورلو، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۷. مرادی، حسین؛ ۱۳۸۳، *گونه‌شناسی استقرارهای عصر مفرغ بلوچستان در حاشیه رودخانه‌های ماشکید، سرپاز و بمپور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه زاهدان، به راهنمایی آقای دکتر داوود صارمی نائینی (منتشر نشده).
۱۸. معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان؛ ۱۳۹۶، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان ۱۳۹۶*، زاهدان.
۱۹. واحدی، حسین؛ ۱۳۹۸، *گزارش طرح بررسی شناسایی باستان‌شناسی سکونت‌گاه‌های منطقه سفیدکوه مکران*، محفوظ در آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.
۲۰. واحدی، حسین؛ ۱۳۹۹، *رویکردی باستان مردم‌شناختی بر سکونتگاه‌های ارتفاعات مرکزی بلوچستان؛ مطالعه موردی دهکده‌های بخش بنت، نیک‌شهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، منتشر نشده.
۲۱. واحدی، حسین؛ ۱۳۹۹، *گزارش طرح بررسی و شناسایی باستان‌شناسی در محدوده روستاهای بارگدن، کوچکدام و کدبد/الف و ب با هدف تهیه پرونده‌های ثبتی آثار موجود در جهت تکمیل اطلس میراث فرهنگی کشور*، محفوظ در آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.

23. Atherton, J., 1983, Ethnoarchaeology in Africa, *African Archaeological Review*, 1 (1): 75-104.
24. Bar-Yosef O., 2008, ASIA, WEST: Palaeolithic Cultures. In: Pearsall DM, editor. *Encyclopedia of Archaeology*. New York: Academic Press. 865-875.
25. Beech. M., Cuttler. R., Moscrop. D., Kallweit. H., Martin. J., 2005, new evidence for the Neolithic settlement of Marawah Island, Abu Dhabi, and United Arab Emirates. *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 35: 37-56.
26. Boulogne, S., Hardy-Guilbert, C., 2010, Glass bangles of al-Shihṛ, Ḥaḍramawt (fourteenth-nineteenth centuries), a corpus of new data for the understanding of glass bangle manufacture in Yemen *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies*, 40: 135-148.
27. Bridault, A., Rabinovich, R., Simmons, T., 2008, ARCHAEOZOOLOGY OF THE NEAR EAST VIII. Human activities, site location and taphonomic process: a relevant combination for understanding the fauna of Eynan (Ain Mallaha), level IB (final Natufian, Israel). 99-117.
28. Cavulli, F., 2004, L'insediamento di KHB-I (Ra's al Khabbah, Sultanato dell'Oman): lo scavo, i resti strutturali e i confronti etnografici. *Ocnus* 12: 37-48.
29. Cooke, L., 2010, *Conservation approaches to earthen architecture in archaeological contexts*, Oxford: Archaeopress.
30. Decardi, B., 1951, a New Prehistoric Ware from Baluchistan. *Iraq* XIII (2): 63-75.
31. Gilead, I., 1989, the Upper Palaeolithic to Epi-Palaeolithic Transition in the Levant, *Paleorient*, 14: 177-182.
32. Goring-Morris, A. N., Belfer-Cohen, A., 2013, Houses and Households: A Near Eastern Perspective. In D. Hofmann and J. Smyth (eds.), *tracking the Neolithic house in Europe - sedentism, architecture and practice*. 19-44. Springer, New York.
33. Haklay, G., Gopher, A., 2019. Architectural planning and measuring in the Pre-Pottery Neolithic site of Çayönü, Turkey. *Paléorient* 45 (1), 7-17.
34. Hershkovitz, I. and Gopher, A., 1990, Paleodemography, Burial Customs and Food-Producing Economy at the Beginning of the Holocene: A Perspective from the Southern Levant, *Mitekufat Haeven*, 23: 9-47.
35. Hodder, I., 2001, Theoretical archaeology, a reactionary view, in J. Thomas *Interpretive Archaeology*, Leicester University Press. :48.
36. Karlovsky, C. C., 1967, the carin burial in Southeastern Iran, *EST and Weast* 18: 257-269.
37. Kiguradze, T., 1986, Neolitische Siedlungen von Kvemo Kartli, Georgien. *AVA Materialien*, Band 29. Munich: Verlag C. H. Beck.
38. LeMée, M., GerNez, G., GirAud, J., BeuzeN-Waller, T., FouAche, E., 2013, Jabal al-KAluya: an inland Neolithic settlement of the late fifth millennium BC in the Ādam area, Sultanate of Oman, *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 43: 197-212 .
39. Munoz, O, 2019, Promoting Group Identity and Equality by Merging the Dead: Increasing Complexity in Mortuary Practices from the Late Neolithic to the Early Bronze Age in the Oman Peninsula and Their Social Implications. 21-40.
40. O Connell, J., 1995, Ethnoarchaeology needs a general theory of behavior, *Journal of Archaeological Research*, 17: 205-255.
41. Simmons, A. H., 2012, the Levant, in: Potts, D.T. (Ed.), *a Companion to the Archaeology of the Ancient near East*, Wiley-Blackwell Publishing, 127-143.
42. Smith, PH. E. L., 1990, Architectural Innovation and Experimentation at Ganj Dareh, Iran. *World Archaeology* 21, H.3: 323-335.
43. Stein, A., 1937, *Archaeological Reconnaissances in North-Western India and South-Eastren Iran*. London.
44. Stiles, D., 1977, Ethnoarchaeology: A Discussion of Methods and Applications, *Man*, 12 (1): 87-103.
45. Yeshurun, R., Bar-Oz, G., Kaufman, D., Weinstein-Evron, M., 2014, Purpose, permanence, and perception of 14,000-year-old architecture: Contextual taphony of food refuse. *Current Anthropology* 55 (5): 591-618.

